

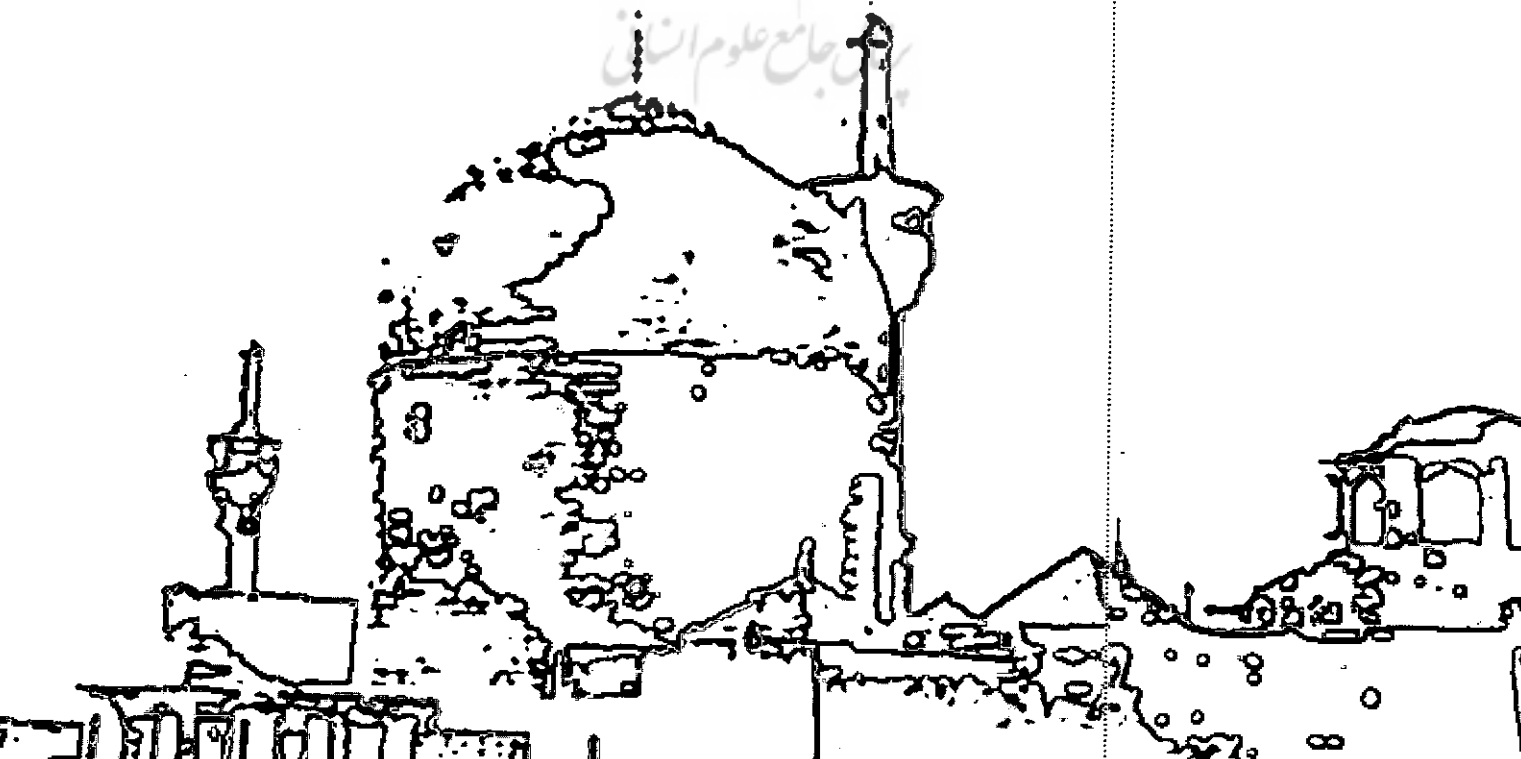
سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی

نویسندگان: عبدالحمید مولوی، محمدتقی مصطفوی و ابراهیم شکورزاده

مترجم: رجبعلی یحیایی

این نوشته ترجمه مقاله Astan-e Qods- Razavi در دایرةالمعارف ایرانیکا (۱۹۸۷)، ۲/۳۷-۸۲۶ است. در این مقاله تاریخچه بسیار فشرده‌ای از آستان قدس از زمان به خاک سپاری پیکر امام هشتم در خاک سناباد و روند شکل‌گیری بقعه مطهر و دگرگونی‌های آن در خلال تاریخ تا سال ۱۳۶۵ شمسی بازگو شده است. در واقع این نوشته صورت بسیار دگرگونی پذیرفته و گسترش یافته مقاله آستان قدس رضوی است که پیشتر یکی از نویسندگان یعنی عبدالحمید مولوی برای دانشنامه ایران و اسلام (۸۹/۱) نگاشته بود. از آنجا که نوشته حاضر به قلم سه تن از آگاهان به امور آستان قدس و بر پایه منابع محلی، برخی تاریخ‌های عمومی و پژوهش‌های مستشرقان و از همه مهمتر مشاهده‌های مستقیم نویسندگان نگاشته شده است، در عین اختصار می‌تواند آگاهی‌های ارزشمندی را به خواننده بدهد. هر چند تمرکز مقاله بر دگرگونی‌های ابنیه‌ای است، اما در پایان به مسائلی چون اوقاف، درآمدها و امور اقتصادی، نحوه اداره و تاریخچه کتابخانه و تحولات فرهنگی آستان قدس نیز اشاره شده است. با آن که نویسندگان، مقاله نسبتاً جامعی نگاشته‌اند، خطاهایی در نگاشتن آنان یا متن انگلیسی آن راه یافته بود که مترجم لازم دید با مراجعه به منابع آنها را اصلاح و با در پاورقی توضیح دهد.

آستان قدس رضوی، مجموعه ساختمان‌های پیرامون آرامگاه امام علی (بن موسی) الرضا (علیه السلام) در مشهد (مجموعه حرم مطهر)



دوران پیش از مغول

شهر مشهد که امروزه مرکز اداری خراسان [رضوی] است، شهری نسبتاً جدید به شمار می‌رود که به دلیل آمد و شد زائران پس از زوال شهرهای باستانی نزدیک به آن یعنی طوس و نیشابور در اثر یورش مغولان؛ و در پیرامون آرامگاه امام رضا(ع) گسترش یافته است. پیش از به خاک سپاری امام رضا، هارون الرشید، خلیفه عباسی (حکومت ۱۷۰-۱۹۳ق/۷۸۶-۸۰۹م)، را در این مکان به خاک سپرده بودند. پیکر امام نزدیک ضلع غربی و در بالاسر گور هارون به خاک سپرده شد. بقعه هارون در زمینی در کاخ حمیدبن قحطبه طایب حاکم طوس در روستای سناباد و در خارج نوغان، یکی از دو شهر بزرگ ناحیه طوس آن روزگار، قرار داشت (ابن حوقل، ۴۳۴).

ساختن قبه و تزیینات

بنای قبه‌ای که بر فراز گور هارون ساخته‌اند به مأمون، پسر و دومین جانشین او (حکومت ۱۹۸-۸۱۳/۸۳۳)، نسبت داده شده است اما در این باره سندی در دست نیست. این بنا که بعداً روضه امام شد، تقریباً مربع بود و گور خلیفه در مرکز آن قرار داشت. گل دیواره بنا، گل چینه یا دای و عبارت از گل رسیده ورز داده، مانند گلی است که برای تنور و خمره به کار می‌رود. گفته‌اند در گل دیوار قبه برای استحکام، موی بز و شیره به کار برده‌اند. پهنای دیوارها بیش از دو متر است و به این دلیل دیوار قبه سخت و محکم است. چنین به نظر می‌رسد که سقف قبه در آغاز به شیوه معماری آن روزگار ضربی عرق چینی و فاقد گنبد بلند بالا بوده است.

پس از آن که خاک سناباد مدفن امام شد قبه هارونی رفته‌رفته به مشهد (= مکان شهادت) مشهور شد (برای نمونه رک: مقدسی، ۳۵۲؛ بیهقی چاپ دوم ۲-۵۳۱؛ ابن اثیر، چاپ افست ج ۱۰ ص ۲۱۰ و ۵۲۲، جویی ۱/۱-۲۰۰؛ جایی که اشاره به مشهد مقدس دارد). زیرا باور بر آن است که امام مسموم شده و به شهادت رسیده است و شهری که در سده‌های بعد در اطراف مرقد به وجود آمد مشهد نامیده شد. بنا به گزارش محمدحسن خان صنیع‌الدوله که منابعش را ذکر نمی‌کند، تاریخ نخستین تلاش‌ها برای تزیین بقعه به دوره دیلمیان بر می‌گردد (مطلع‌الشمس، تهران ۱۳۰۲/۱۸۸۴، تجدید چاپ تهران ۱۳۵۵ ش، ۲/۵۰؛ علی مؤتمن، تاریخ آستان قدس رضوی، تهران، ۱۳۴۸ ش، ۱ (۶۱).

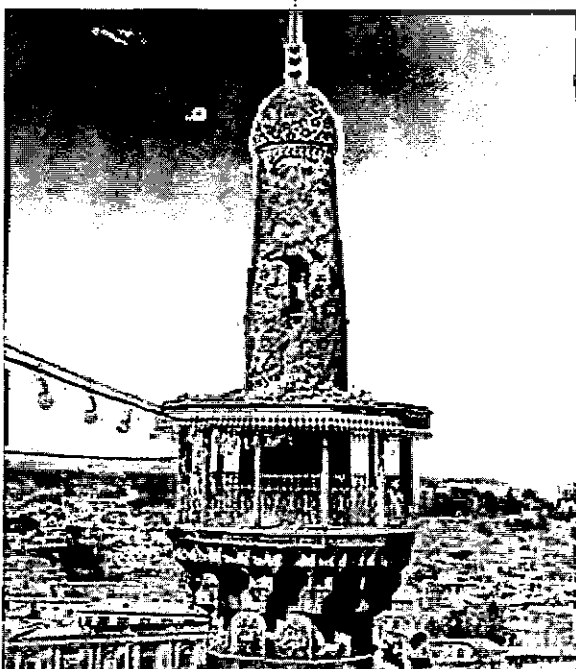
تخریب روضه

اندکی بعد ناصرالدوله سبکتگین، حاکم متعصب غزنوی، (حکومت ۳۶۶-۳۸۷/۹۷۷-۹۹۷) روضه امام را خراب کرد و تمام سقف و قسمت عمده دیوار بنا از میان رفت و اندکی بیشتر از دو متر از دیوار عهده مأمون باقی نماند. مردم از بازسازی آن منع شدند و بنا تا زمان حکومت سلطان محمود، پسر و جانشین سبکتگین (حکومت ۳۸۷-۴۲۱/۹۹۸-۱۰۳۰) همچنان ویران بود، تا آن که وی در اثر خوابی که دیده بود بر آن شد آن را بازسازی کند (اثیر ۱/۴۰۱) این کار در ۱۰۰۹/۴۰۰ با تلاش ابوبکر شهرد پیشکار فایق، خادم خاصه، انجام پذیرفت.

ساخت مناره‌ها

ابوالفضل سوری بن معتز، حاکم وقت نیشابور، روستایی آبادان و فاخر وقف بر آن نمود و بناهای بسیار و مناره‌ای بر آن افزود. (بیهقی ۲-۵۳۱) این همان مناره‌ای است که امروزه روی ایوان طلای صحن کهنه و با فاصله کمی از گنبد قرار دارد. همان گونه که گفته خواهد شد بعدها این مناره با خشت‌های طلا و تزیینات دیگر آراسته شد. در این دوره ساختمان‌های جدیدی به بنای

۱. دیلمیان (آل بویه) برابر منابع، هیچ‌گاه مشهد را در اختیار نداشته‌اند. بلکه این منطقه در قلمرو سامانیان بوده که با آل بویه که از غرب خراسان تا عراق در اختیار داشتند همیشه در ستیز بودند. به نظر می‌رسد گمان دخالت دیلمیان در ساخت و سازهای حرم ناشی از شهرت آنان به عنوان حاکمانی شیعه باشد. اما سندی تاریخی برای آن در دست نیست. مترجم
۲. همان‌گونه که برخی پژوهشگران آورده‌اند این خرابی حرم به دست سبکتگین و آبادانی آن به دست محمود که ضدشیعی تر بود خبری مشکوک است. بنگرید به سیدی، سیدمهدی، تاریخ شهر مشهد، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۷، ۱۸. مترجم.



اصلی اضافه شد که خشت‌های به کار رفته در دیوارها و سقف ضربی آنها با مصالح مقبره ارسلان جاذب (حاکم طوس از سوی سلطان محمود) همانند است که در نزدیکی روستای سنگ بست (کیلومتر ۴۰ جاده مشهد - فریمان) قرار دارد و در میان مردم محل به مقبره ایاز مشهور است. هر دو بنا در طراحی عمومی و به ویژه در گوشواره‌ها، روکاری و در چهار طاق بناها که ورودی‌های وسط چهار دیوار اصلی را شکل می‌دهند بسیار همانندی دارند.

به گفته بیژن سعادت (بارگاه رضا، مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۵ ش/ ۱۹۷۶، نقشه ساختمان) جهت قبله در بناهای حرم دقیقاً جنوب غربی است. در مقاله حاضر برای سهولت به جای «جهت قبله»، واژه «جنوب» به کار می‌رود. بنابراین جهت واقعی ۴۵ درجه با جهت‌هایی که در این جا به دست داده می‌شود، تفاوت دارند. ابعاد بقعه عبارتند از: طول از شمال به جنوب ۱۰/۹۰ متر؛ عرض از شرق به غرب ۱۰/۴۰ متر؛ ارتفاع گنبد ۱۸/۸ متر از کف حرم تا انتهای سقف مقعر؛ ارتفاع گنبد از کف حرم تا رأس گنبد طلا (گنبد بالایی) ۳۱/۲۰ متر؛ دور از سطح خارج گنبد ۴۲/۱۰ متر؛ ارتفاع گنبد از اول طلا کاری تا تیزه گنبد ۱۶/۴۰ متر، ارتفاع سرطاق گنبد ۳/۵۰ متر.

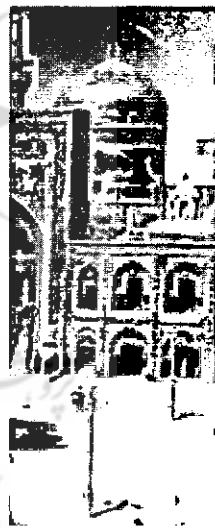
در گذشته، در منتهی‌الیه بالای دیواره درونی بقعه (زیر طاق گنبد و زیر ردیف پنجره‌ها) سوره جمعه به خط بسیار زیبای ثلث جلی و توسط علیرضا عباسی کتیبه‌نویس بزرگ عهد صفوی نگاشته شده است. اما اکنون این کتیبه زیر آینه کاری واقع شده است. در پیش روی مبارک و در شرقی هر دو از طلاست اما درهای یازده‌گانه‌ای که به رواق‌های جانبی باز می‌شود نقره‌اند. از آن جا که کف حرم اخیراً چهار سانتی‌متر بالا آورده شده است، باید کف حرم تا طاق و رأس گنبد کاهش یافته باشد.

دوره سلجوقیان

بقعه [امام رضا] در تهاجم ترکان غز در ۱۱۵۲/۵۴۸ آسیب شدیدی دید (ح. شاملو، تاریخ ایران از ماد تا پهلوی، تهران، ۱۳۴۷ ش/ ۱۹۶۸ م)، چند سال بعد شرف‌الدین ابوطاهر بن سعدین علی قمی با هزینه خود یا وکالتاً از جانب سلطان سنجر سلجوقی (حکومت ۵۱۱-۵۱۲/۵۵۲-۱۱۱۸/۱۱۵۷) آن را تعمیر و بازسازی کرد (مؤتمن، همان، ۶۱، صنیع الدوله، همان، ۵۱/۲).^۲ همچنین در اواخر دوره سلجوقیان، زمرد ملک دختر شاهزاده ایلک خان محمود بن محمد (خواهرزاده سلطان سنجر) (تقی بینش، «سنگاب خوارزمشاهی»، نامه آستان قدس رضوی، ۳۸، دوره جدید، ۸۱-۹۹). ارزاره‌های حرم را با کاشی‌های هشت ضلعی و شش ضلعی بسیار نفیس رنگی آراست. کتیبه‌های کاشی‌های باقیمانده نشانگر آن است که این کار پس از سال ۱۱۶۲/۵۵۷ انجام گرفته است (مولوی، دانشنامه، ۸۹/۱). در یکی از کاشی‌ها نام زمرد ملکه (کذا) بنت سلطان شهید محمود آمده است. این کاشی‌ها در دوره‌های بعدی جابه‌جا شده و در بازسازی‌های بعدی به صورتی نامنظم بر پاستنگ دیواره حرم نصب شده و در نتیجه خواندن آن‌ها دشوار شده است. این کتیبه‌ها آگاهی‌های سودمندی به دست می‌دهند. محمدحسن خان صنیع‌الدوله آنها را بازخوانی کرده است (همان، ۲/۶۳؛ نیز ر.ک: ع.ج. مولوی «کاشی‌های ازاره حرم مطهر»، نامه آستان قدس رضوی، شماره مخصوص، به مناسبت جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران، مشهد، [بی تا] ۹۷-۱۷۹).

آثار هنری و کتیبه‌ها

یکی از نفیس‌ترین آثار هنری که در موزه حرم مطهر نگهداری می‌شود، سنگاب مدوری است که کتیبه‌های آن بازگوکننده ساخت آن برای محمد خوارزمشاه و وزیرش نظام‌الملک به سال ۱۲۰۱/۵۹۷ می‌باشد و نام سازندگان آن محمد و احمد پسران مسعود نقاش است (سیدحیب‌الله صمدی، راهنمای موزه آستان قدس رضوی، ۲۱ و ۳۱؛ تقی بینش، همانجا، ۸۶).



۳. شاهدهی دال بر خرابی حرم به دست غزان وجود ندارد. از سویی حمله آنها در ۵۴۸ صورت گرفته اما ابوطاهر قمی در سال ۵۱۶ فوت کرده است. بنابراین حتی اگر ابوطاهر کاری هم انجام داده است بیش از حمله غزها بوده است. نیز لازم است یادآوری شود ابوطاهر که مدت مدیدی حاکم مرو و یک سال (۵۱۵-۵۱۶ هـ) وزیر سنجر بوده است و به احتمال در ساخت و سازهای حرم دست داشته اما از این اقدامات چیزی در منابع دوره سلجوقی ذکر نشده است. بنابراین حتی اگر ابوطاهر کاری هم انجام داده است، بیش از حمله غزها بوده است. برای شرح احوال وی به مقاله نگارنده در کتاب مشاهیر مدفون در حرم جلد ۲، چاپ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶-۲۱۳ مراجعه شود مترجم. ۴. در متن انگلیسی نام وسال به اشتباه درج شده بود که با مراجعه به متن اصلی تصحیح شد. مترجم.

بر حاشیه بیرونی دیوار بقعه و اطراف دری که از رواق دارالحفاظ به پیش روی مبارک باز می‌شود، کتیبه‌ای به خط ثلث بر کاشی‌های لعابدار، برجسته‌کاری شده که در آن نام امام و نسب ایشان، نام اهداکننده (علی بن محمد مقری)، نام کاشی‌کار (محمد بن ابی‌طاهر) بنگرید به بالا (۳۸۵/۱) و تاریخ (۱ جمادی الاول؟) ۲۸/۶۱۲ سپتامبر ۱۲۱۵ ذکر شده است. مقری همچنین کاشی‌های نقاشی شده ازاره بقعه و سه محراب بسیار نفسی ضلع جنوبی بقعه را اهدا کرده است که به همان شکل باقی مانده‌اند. تاریخ کتیبه داخلی بقعه که در سال ۹/۷۶۰-۱۳۵۸ تعمیر شده است هنوز بر صدف یا سکوی اطراف ضلع شمال شرقی بقعه مشهور به صدف شاه تهماسبی مشاهده می‌شود. در سده بعدی دیوارهای درونی بقعه گچ‌کاری و به طور ساده‌ای نقاشی شد. در دوره پس از آن لایه جدیدی از گچ بر روی گچ کاری پیشین کشیده شد و نقاشی‌های بهتری بر آن ترسیم گردید. در دوره صفوی بار دیگر دیوارها با طرح‌های بسیار ظریف‌تری که در آنها طلا و سنگ‌های لاجوردی یا قرمز و روشن و زنگارها و دیگر رنگها به کار رفته بود با همان تکنیک‌هایی که در دیگر بناهای مربوط به دوره صفوی و آرامگاه خواجه ربیع بن خثیم مشاهده می‌شود تزیین شد. (همه این تزیین‌ها و تعمیرها، در سال ۱۳۴۴ شمسی / ۱۹۶۵ و به هنگامی که دیوار غربی حرم مرمت می‌شد قابل رؤیت شد).

در بخش دیگر اطراف همان در ورودی، کتیبه‌ای وجود دارد که در آن دو بیت شعر از ابونواس، شاعر عرب، در ستایش امام به همراه اسم عبدالعزیز بن آدم بن ابی‌نصر قمی که ظاهراً مسؤول ساختن در بوده، آمده است. نام عبدالعزیز در محراب جنوب غربی حرم و بر کتیبه‌ای که نام ابوزید بن ابی محمد کاشانی، سازنده کاشی‌های لعابدار و تاریخ ربیع‌الثانی ۶۱۲ / آگوست ۱۲۱۵ را دارد، نیز آمده است. همین تاریخ در دیگر کتیبه‌های صدف شاه تهماسبی که احادیثی از پیامبر و دو شعر فارسی را دارند، ذکر شده است.

دوره مغول

درست شش سال پیش از یورش مغولان، تزیینات ورودی پیش‌رو، ساخت و نصب کاشی‌های بی‌نظیر اطراف در، صدف و چند محراب کامل شده بود. مجموعه حرم در حمله مغول و به هنگامی که تولی خان به مشهد حمله آورد آسیب جدی دید. ^۵ سرانجام، همان‌طور که پس از مصیبت‌های پیشین اتفاق افتاده بود، خیرین از راه رسیدند. نخستین آن‌ها حاکم مسلمان‌شده مغول (ایلخانی)، محمود^۶ غازان خان (حکومت ۶۹۴-۷۰۳-۱۲۹۵/۱۳۰۳) بود که دستور بازسازی گنبد را صادر کرد.

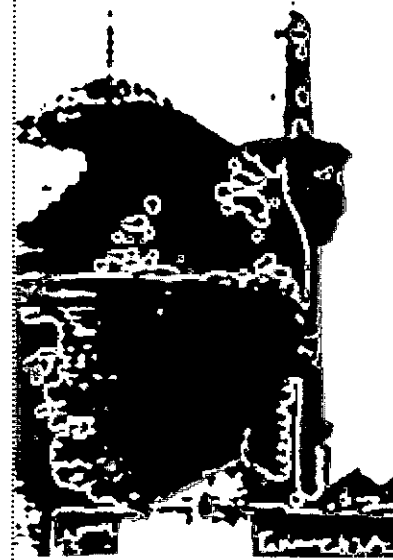
برادرش محمد الجایتو ملقب به خدا بنده (حکومت ۷۰۳-۷۱۶-۱۳۰۳/۱۳۱۶) که شیعه شده بود با شور بیشتری کار بازسازی را دنبال کرد (ابن اثیر ۱۸۱/۱۱ و ۲۷۲ و ۳۹۳/۱۲؛ صنیع‌الدوله، همان، ۵۳؛ مؤتمن، همان ۶۱؛ مولوی، همان، ۹۰)

تا آن زمان مجموعه حرم، بقعه و برخی بناهای کوچک مجاور را در ضلع شمالی بقعه و مسجد بالاسر در بر می‌گرفت. مسجد بالاسر که هنوز موجود است، بازمانده یک بنای دوره غزنوی است و به نظر می‌رسد به پیشنهاد ابوالحسن عراقی یکی از دبیران سلطان مسعود غزنوی ساخته شده است (بیهقی، چاپ دوم، ۱۳-۷۱۲) و ابعاد آن: طول ۸ متر، پهنا ۴/۵۰ و ارتفاع آن ۱۰ متر است.

مسجد بالاسر تا آن زمان مستقیم به بقعه راه نداشت، اما در آغاز می‌توانسته از جانب غربی یعنی از رواق دارالسیاده و در دوره‌های بعدی از طریق راهرو پشت دیواره شمالی بقعه که راهرو پس پشت خوانده می‌شود به بقعه راه داشته باشد. برخی اشعاری (به نقل از مولوی) که در بخش فوقانی سنگ ازاره بعد بالاسر حک شده، نشانگر آن است که محمد ولی میرزا پسر فتحعلیشاه قاجار در هنگامی که والی خراسان بود، راهی از مسجد به بقعه گشود. در پلاتی که در کتاب سر پرسی سایکس با



۵. از آن جا آثار پیش از حمله مغول همچون کاشی‌های سنجری و محراب‌ها در حرم باقی است و از آن جا که مغولان به مذهب مردم و اماکن مذهبی کاری نداشتند، و در اواخر حکومت ایلخانیان با گروش برخی از آنها به تسنن و تشیع و دستور به احداث دارالسیاده‌ها و دارالحفاظ‌ها در سراسر ایران، آسیب دیدن جدی حرم به گونه بسیار جای تأمل دارد. مترجم. ۶ - در متن انگلیسی به اشتباه محمد ضبط شده است. مترجم.



۷. در متن انگلیسی به خطا طلا آمده است. مترجم.

۸. استنباط نویسندگان محترم اشتباه است و حتی با نوشته‌های قبلی آنان و سخنان این بطوطه تناقض دارد. معلوم نیست منظور آنان از عبارت «در پایان دوره مغول» چیست. چون خود این بطوطه درست مصادف با پایان دوره مغول (سال ۷۲۵) به مشهد آمده و نسبت دادن خرابی به این زمان غیرمنطقی است. کما این که خود آنان نوشته‌اند و منابع تاریخی نشان می‌دهند محمد الجایتو و محمد غازان که هر دو از واپسین حکمرانان ایلخانی بوده‌اند به آبادانی توجه داشته‌اند. از سویی در میان سال‌های آمدن تیمور و تیموریان، سرداران برای چندی در خراسان ظهور کردند که هر چند در منابع به طور دقیق از ارتباط آنان با حرم سخنی نرفته اما توجه آنان به شعائر شیعی و سکونت شیخ حسن جویری در مشهد نمی‌توانسته با حرم امام رضا پیوندی نیافته باشد. بعید نیست که رسم تقارظی که بنا به اشاره خنجی در پیش از دوره صفویان در حرم رسم بوده، از دوره سرداران شیعی مرسوم شده است. (ر.ک: خنجی، فضل‌الله‌بن روزبهان، مهمان‌نامه بخارا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۳۲۹) مترجم.

عنوان «شکوه جهان شیعه» (لندن، ۱۹۱۰، ۱۰۰) چاپ شده و بازسازی شده آن با ترجمه فارسی در کتاب آستان قدس رضوی دیروز امروز (مشهد، ۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷، ۴۸) آمده، طاق بین حرم و مسجد بالاسر بسته نشان داده شده است. در ۱۲۷۵ ق/۹-۱۸۵۸ در دوره ناصرالدین شاه قاجار، فضای درونی مسجد بالاسر آینه‌کاری شد. در ۱۳۴۴ ش/۱۹۶۵ دیوار درونی و سقف آن با کاشی‌های معرق پوشش یافت تا از استحکام برخوردار شود و کف آن با سنگ مرمرین مفروش شد.

در موزه حرم پنجره مشبک فولادی زرکوبی (ابعاد ۱/۲۷ در ۱ متر) با کتیبه‌هایی طلایی وجود دارد (و در آن تاریخ ساخت و نام‌های اهداکننده و سازنده‌اش تصریح شده است) این پنجره به دستور شاهرخ تیموری (حکومت ۸۰۷-۱۴۰۵/۸۵۰-۱۴۷۷) در سال ۱۴۱۴/۸۱۷ یعنی چهار سال پیش از بنای مسجد گوهرشاد و رواق‌های دارالحفاظ و دارالسیاده، ساخته شده است. (سید حبیب‌الله صمدی، راهنمای موزه آستان قدس رضوی، بی‌نا، بی‌تا، ۳۱ و ۳۲ با اشتباهات اندکی در ثبت اندازه‌های پنجره). این پنجره آن گونه که از عبارت‌های کتیبه بر می‌آید به قصد آن به عنوان حفاظی برای آرامگاه امام باشد ساخته نشده است. نویسندگان کنونی نیز پس از مطالعه شواهد به این نتیجه رسیده‌اند که این پنجره به احتمال زیاد در قسمت بالایی در بین حرم و مسجد بالاسر نصب بوده است.

در سمت مقابل جایی که پیش‌تر راهرو پس پشت نامیده می‌شده و به موازات صفه شاه‌طهماسبی (ورودی شمال شرقی به بقعه)، موضعی در ابعاد تقریبی ۴/۳۰ در ۷/۲۵ متر قرار دارد که تا همین اواخر مسجد بوده و مسجد رضا یا مسجد زنانه (مسجد زنان، بنایی صفوی) نامیده می‌شده است و اتاق کوچکی از دوره صفویه در گوشه جنوب غربی ایوان طلای صحن کهنه قرار داشته که قرآن‌خانه (محل نگهداری قرآن‌های خطی) نامیده می‌شده است. این بناها - راهرو پس پشت، مسجد زنانه و قرآن‌خانه به دو رواق متصل به هم به نام‌های دارالفیض و دارالشکر تبدیل شده و شکل آنها در تعمیرات و عملیات بازسازی سال‌ها ۱۳۴۲-۱۳۴۴ ش/۱۹۶۳-۱۹۶۵ م به طور کلی دگرگون شد (مؤتمن، همان، ۱۴۱، سعادت، بارگاه رضا، ۳۵ و ۳۹؛ برای توصیف کامل دارالشکر (بخش غربی) و دارالفیض (بخش شرقی)، ر.ک: مؤتمن ۱۶۹ و ۴۵۱).

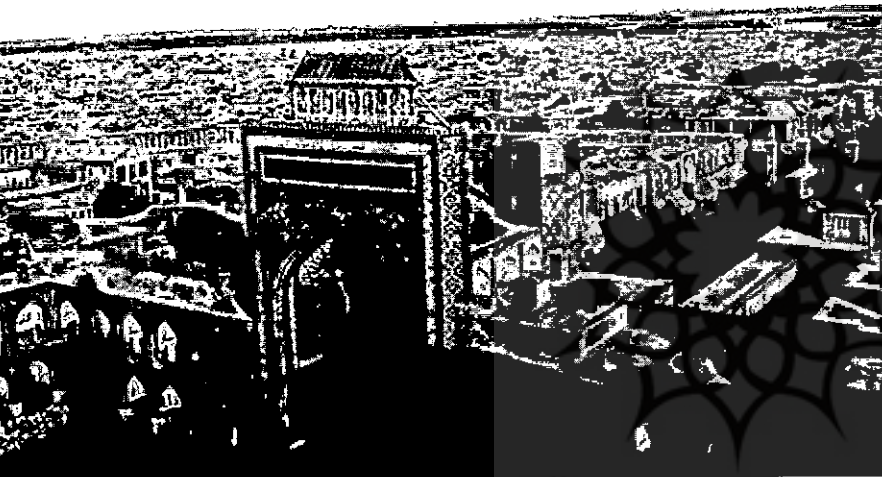
بنا به گزارش، ابن بطوطه که در ۱۳۳۳/۷۳۴ از توس بازدید کرده است، مجموعه آرامگاه امام رضا مرکب از گنبدی بزرگ و مسجد و مدرسه‌ای در کنار آن بوده است. او می‌نویسد: همه این عمارت‌ها با سبکی بسیار زیبا ساخته شده است و دیوارهای آن با کاشی تزیین شده‌اند. روی قبر امام ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن با صفحه‌های نقره^۷ پوشانده شده است و از سقف مقبره قندیل‌های نقره آویزان است. آستان در بقعه نیز از نقره و پرده ابریشم زردوزی بر در آن آویخته می‌باشد. داخل بقعه، با فرش‌های گوناگونی مفروش است. روبه‌روی قبر امام، قبرهارون‌الرشید است که بر آن صندوق و شمعدان‌هایی قرار دارد و به آسانی از مقبره امام قابل تشخیص است. ابن بطوطه می‌افزاید: شیعیان در هنگام ورود به حرم به قبرهارون لگد می‌زنند (ترجمه فارسی، محمدعلی موحد، ۲ جلد، تهران، ۱۳۴۸/۱۹۶۹-۴۴۱/۱)

دوره تیموریان

حکومت مغولان با برآمدن تیمور و فرزندان او دنبال شد در زمان حکومت تیموریان بیش‌ترین و باشکوه‌ترین بناها به اطراف حرم افزوده شد. جدای از مسجد بالاسر و راهروها هیچ‌کدام از بناهای مجاور حرم که ابن بطوطه ذکر کرده در پایان دوره مغول باقی نمانده بود.^۸ تنها یک مسجد کوچک در غرب رواق بزرگ دارالسیاده و تقریباً به موازات بقعه احتمالاً باقی مانده بود که باید پیش از دارالسیاده و مسجد گوهرشاد ساخته شده و شاید یکی از بناهایی باشد که ابن بطوطه از آن یاد کرده است. اما در هیچ‌کدام از نقشه‌هایی که از مجموعه حرم در دست است وجود مسجدی در این موقعیت آشکارا مشخص نشده است.

مسجد جامع گوهرشاد

مسجد جامع گوهرشاد در سال ۱۴۱۸/۸۲۱ به گونه‌ای باشکوه و در سایه حمایت گوهرشاد آغا، همسر سلطان شاهرخ تیموری، در جنوب حرم و به فاصله ۳۱ متری آن (در جهت قبله) تکمیل شد. تقریباً در همین دوره، بناهای دیگری در مجاورت یا نزدیکی حرم احداث شدند: رواق بزرگ دارالحفاظ که از طرف پیش دارای یک ورودی اصلی است، و در جانب غربی آن رواق بزرگ‌تر دارالسیاده که از ایوان شمالی مسجد گوهرشاد تا موازی انتهای ضلع شمالی مسجد بالاسر امتداد دارد. نیمه جنوبی مکانی که اکنون رواق دارالسلام قرار دارد و در سمت شرق رواق دارالحفاظ قرار دارد نیز در این زمان ساخته شد. پیشتر بنای ساده تحویل خانه در این قسمت قرار و حکم خزانه حرم را داشت و بعداً به مسجد گوهرشاد ضمیمه شد. این بنا اخیراً تغییر شکل داده و با عنوان دارالسلام به سازی شده و توسعه یافته است. هم دارالحفاظ و هم دارالسیاده توسط حسام السلطنه شاهزاده قاجاری با مقرنس‌های آینه‌کاری تزیین شد.



اینک در جانب غربی دارالسیاده و پیوسته به آن، بناهای مدرسه پریزاد و مدرسه بالاسر و یک راهرو کوتاه اضافی به طرف غرب وجود دارد. در مقابل مدرسه پریزاد نیز مدرسه دیگری که مشهور به «دو در» است، قرار دارد. این بناها نیز از یادگارهای عصر شاهرخ است و به دست یکی از سرداران وی به نام امیر غیاث‌الدین یوسف خواجه در ۱۴۳۹/۸۴۳ ساخته شده است (محمدتقی مصطفوی همیشه بر این باور بوده که نام دو در نام دیگری است که به مدرسه شاهرخ داده‌اند، اما آقای مولوی بر این باور است که مدرسه شاهرخ نام دیگر مدرسه بالاسر بوده است) محمدتقی مصطفوی در مورد این که اصل مدرسه پریزاد و بالاسر از دوره شاهرخ است

آگاهی و دلیل مستندی ندارد اما کاشی‌های معرق و کهن این بناها به آن دوره اشاره دارند. افزون بر آن کتیبه‌ها نشانگر آنند که این مدرسه‌ها در ۱۶۸۰/۱۰۹۱ و در زمان حکومت شاه سلیمان صفوی به سازی شده‌اند.

نقشه‌های قدیمی مجموعه حرم، بنای گنبددار ساده‌ای که معروف به گنبد آپک میرزا را در محل کنونی نیمه شمالی رواق دارالسلام نشان می‌دهد که با بخش مرکزی دارالسیاده و گنبد الله‌وردی خان است همانند، اما در ابعاد کوچک‌تر بوده است. آپک میرزا (کیک میرزا در تلفظ دوره تیموری) پسر سلطان حسین بایقرا، آخرین سلطان تیموری (حکومت ۸۷۵-۹۱۲/۱۴۷۰-۱۵۰۶) بوده و این بنا از بناهای آخر عصر تیموری است.

صحن کهنه

همچنین از دوره تیموریان ساختمان‌های اصلی و نخستین ایوان طلای صحن کهنه با پشتیبانی‌های امیر علیشیر نوایی، وزیر سلطان حسین بایقرا، سر برافراشت. صحن کهنه به اندازه کنونی بزرگ نبود و ایوان طلا در مرکز ورودی ضلع جنوبی صحن قرار نداشت. ایوان طلا هنگامی موقعیت مرکزی خود را به دست آورد که صحن کهنه به وسیله شاه عباس اول (اسکندر بیگ، ۸۵۴۹/۲ گسترش یافت. اینک ایوان طلا بین دو ورودی بزرگ قرار گرفته است: ورودی سمت شرق به رواق تازه‌ساز دارالشکر و سپس مسجد بالاسر و ورودی غربی به رواق تازه‌ساز دارالخلاص و سپس دارالسیاده منتهی می‌شود. کتیبه پیشانی ایوان بیانگر آن است که صحن کهنه و ایوان در سال ۱۸۴۰/۸۷۵

ساخته شده‌اند. ایوان تماماً و به گونه‌ای در زیر مناره عصر غزنوی قرار گرفته که پایه آن دقیقاً در مرکز ایوان واقع شده است. این دلیلی است بر این که چرا ورودی از وسط ایوان به رواق‌های پشت آن باز نشده بلکه به جای آن دو ورودی در هر دو سمت پایه‌های مناره تدارک دیده شده است. (حقیقت این است که مناره هر چند نزدیک به بقعه بوده، اما از آن مستقل و همان‌طور که در بالا گفتیم ساختمان اصلی بقعه همانند گور ارسلان جاذب بوده است). پیش از بازسازی‌های عصر پهلوی چارچوب‌های چوبی درها و کاشی‌کاری‌هایی که آشکار نشان‌گر آن بودند که از عصر تیموری هستند در شماری از تخریب گنبد کاشی‌کاری آستانه‌های ورودی حرم دیده می‌شدند. افزون بر آن مقبره ابوالقاسم بابرین بایسنقرین شاهرخ، که به مدت دو سال (۸۶۱-۱۴۵۷/۸۶۳-۱۴۵۹) به جای عمویش الغ‌بیگ حکومت کرد، در راهروی دارای «گنبدی» کاشی‌کاری شده، در گوشه جنوب شرقی مدرسه بالاسر قرار داشت. این گنبد در سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۱۰ ش/۱۹۲۹-۱۹۳۰ و به دستور نایب‌التولیه وقت محمدولی اسدی و به این دستاویز که وجود گنبد‌های کاشی‌کاری نزدیک به گنبد طلایی امام نامتناسب است از میان برداشته شد. بعدها باقی‌مانده پایه این گنبد نیز برچیده شد و فضای آن به حرم منظم گردید. (مشاهده‌های محمدتقی مصطفوی از مجموعه حرم) زایران در هنگام تشریف از طریق کفش‌داری اصلی رواق دارالاحلاص از محل پیشین این گنبد می‌گذرند. مطالعه بناهای مربوط به دوره تیموری در مجموعه حرم حکایت از آن دارد که ساختمان‌سازی در مجموعه حرم تا اواخر این دوره ادامه داشته و با بناهای اول دوره صفویه تداخل یافته است. (شاه اسماعیل اول در سال ۱۵۰۶/۹۱۱ و چهار سال پیش از مرگ حسین بایقرا در ۱۵۰۶/۹۱۱ به تخت نشست). هیچ نشانه‌ای از فعالیت‌های ساختمانی توسط شاه اسماعیل اول در حرم در دست نیست.



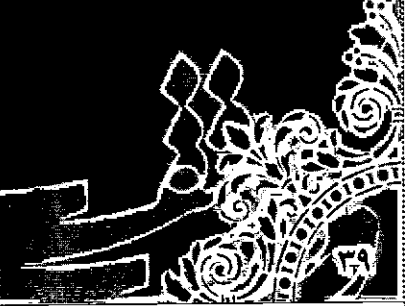
دوره صفویه

به دستور شاه طهماسب اول (حکومت ۹۳۰-۱۵۲۴/۹۸۴-۱۵۷۶) مناره نزدیک گنبد ترمیم و طلاکاری شد (مؤتمن، همان، ۱۰۳) و در ۱۵۲۶/۹۳۲۰ سطح نیز گنبد که پیش‌تر با کاشی‌های نفیس تزیین شده بود به خشت‌های طلا آراسته شد اما در اساس آن تغییری ایجاد نشد.^۱ حدود هفتاد سال پس از آن و در هنگام حمله ازبکان به رهبری عبدالؤمن خان ازبک، خزانه حرم به تاراج رفت و طلای روکشی گنبد و مناره برای ضرب سکه و مصرف هزینه‌ها برچیده شد. شاه عباس اول به هنگامی که در سال ۱۶۱۰/۱۰۱۰ پیاده از اصفهان به مشهد سفر کرد، دستور داد مناره و گنبد با طلا آراسته شود (مؤتمن، همان، ۱۰۱) به نقل از آ. فیض قمی، بدر فروزان، قم، ۱۳۶۴ ق/۱۹۴۵ با در نظر گرفتن ملاحظه‌هایی در درستی این جمله‌ها).

حرم اثر بارزش و جالبی دارد که شاه تهماسب در سال ۱۵۵۰/۹۵۷ اهدا کرده است. این اثر اوراقی مشبک و پیوسته به هم است که بر آن سوره ۷۶ قرآن، (سوره انسان) و عبارت «وقف شد» درج شده است. این مجموعه مرکب از ۱۶۶ قطعه در اندازه‌های گوناگون است که بر روی صندوق مقبره امام نصب بوده است (صمدی، همان، ۱۷، ۱۹ و ۴۱). این ورقه‌های طلایی و دیگر هدایای شاه عباس اول (ادامه مقاله) بر اثر فرسودگی صندوق چوبی از آن جدا شده و اینک در موزه حرم نگهداری می‌شوند.

دوره حکومت شاه عباس اول همانند دوره شاهرخ تیموری، زمان آن بود که اضافات و تزیینات بسیاری به مجموعه حرم افزوده شود. از آن میان صحن کهنه با نظارت او گسترش یافت و دیوان ضلع شمالی آن با راهرو و اتاق‌هایی بر بالای آن و ورودی‌ها و ایوان‌های بزرگ در جانب شرق و غرب

۱. یکی از منابع مهمی که به طلاکاری مناره و گنبد در زمان طهماسب اول اشاره دارد نقوۃ الآثار است. همان‌طور که این منبع آشکارا بیان می‌کند تاریخ طلاکاری گنبد و گلدسته پس از ۹۳۵ و به شکرانه پیروزی طهماسب بر ازبکان بوده است. از سویی شاه طهماسب که درگیر اختلافات سرداران قزلباش بوده و شاید از نظر اقتصادی هم در تنگنا بوده به تصریح همین منبع «بعد از تمکن بر سریر خلافت و جهان‌داری بایفاه نظر قیام نموده مقدار شصت و سه من طلا به جهت گنبد و هفده من جهت میل گنبد صرف نمود.» افوشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله، نقوۃ‌الآثار، به اهتمام احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ۵-۱۴. مترجم.



آن و خیابانی شرقی - غربی که از دو طرف به صحن کهنه و نواحی اطراف منتهی می‌شد، احداث گردید. اسکندر بیگ منشی مورخ روزگار وی (۸۵۴/۲) می‌نویسد از آنجا که صحن کهنه و ایوان امیر علیشیر نوایی تنگ و حقیر به نظر رسید، شاه عباس در سال ۱۶۲۱/۱۰۲۱ بناهایی را که در ضلع شرقی رو به ویرانی رفته بود از میان برداشت و صحن را به گونه‌ای توسعه داد که ایوان دقیقا در وسط آن قرار گرفت. او همچنین سه ایوان، یکی در جنوب و در برابر ایوان امیر علیشیر و دو تا در غرب و شرق صحن کهنه احداث کرد. افزون بر آن او دو خیابان بین دروازه‌های شرقی و غربی شهر ایجاد کرد که از دو طرف به صحن می‌رسیدند. از آنجا که مردم مشهد و زوار از کمبود آب در رنج بودند دستور داد با احداث نهری آب را از چشمه گل‌سب و دیگر قنات‌هایی که او دوباره احداث کرد به شهر آورده شود. نهر از وسط خیابان به گونه‌ای به صحن آورده شد که پس از پر آب کردن طلاکاری گنبد حوض وسط آن به بخش شرقی خیابان جاری می‌شد.

گزارش روکشی گنبد حرم با طلا در کتیبه‌ای مینایی بر گرد گنبد آمده است. این کتیبه بیان می‌دارد هنگامی که شاه عباس در ۱۶۰۱/۱۰۱۰ پیاده از اصفهان به مشهد آمد به تزیین گنبد (به طلاکاری گنبد تصریح شده است) آغاز کرد. این کار در ۱۶۰۷/۱۰۱۶ به اتمام رسید. نام خطاط آن، علیرضا عباسی و نام زرگرها: کمال‌الدین محمد نازل یزدی و محمدباقر بن حاج‌زمان جیلانی و تاریخ ۱۶۰۶/۱۰۱۵ نیز در کتیبه نمایان است. اندکی پس از طلاکاری گنبد به دستور شاه عباس اول، صندوق بالای مضجع نیز با ورقه‌های طلایی کوچک و بزرگ که کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق علیرضا عباسی بر آن درج شده بود زینت یافت. متن کتیبه‌ها شامل آیه‌الکرسی (سوره ۲/۲۵۶)، صلوات بر چهارده معصوم، برخی اشعار فارسی و جمله‌ای درباره بانی کار و تاریخ انجام آن (۴/۱۰۱۲-۱۶۰۳) است. مجموع ورقه‌های طلای باقیمانده که ابعاد گوناگونی دارند، ۱۸ تاست (صمدی، همان، ۲۰-۲۱) که در موزه نگهداری می‌شوند.

رواق توحیدخانه

در حدود همین سال‌ها چندین بنا در مجاورت بقعه و در شمال، شمال شرقی و شرق بقعه سر برافراشت. یکی از آنها معروف به رواق توحیدخانه است که گفته می‌شود به درخواست ملا محسن فیض کاشانی، متکلم و عارف مشهور عصر صفوی در شمال بقعه ساخته شده است و از طریق رواق دارالفیض دسترسی به آن امکان‌پذیر است. این رواق از طریق پنجره فولاد مشرف به صحن کهنه است. ازاره آن سنگ‌کاری شد و سردر آن در دوره قاجار با مقرنس‌های آینه‌کاری شده پوشش یافت. رواق دیگر به گنبد الله‌وردی خان مشهور است که در مشرق توحیدخانه و دارالفیض و در شمال شرقی بقعه قرار دارد. بانی این بنای زیبای هشت ضلعی، الله‌وردی خان (ذیل همین ماده)، سردار مشهور شاه عباس، که مقبره خودش نیز در آن قرار دارد بوده است. برجستگی ویژه این بنا آن است که با کاشی‌های معرق بسیار نفیس تزیین شده و در سمت شرق ورودی باشکوهی دارد که با کاشی‌های گل و بوته و کتیبه‌هایی آراسته شده که نام معمار آن (امیربن حاج محمود نظرانی) و تاریخ ۱۶۱۳/۱۰۲۲ در آنها آمده است (همچنین بنگرید به اسکندربیک ۸۷/۱۲).

دارالضیافه

در دوره قاجار آستانه ورودی گنبد الله‌وردی خان و فضای کوچک باز جلوی آن که وقف شاه عباس کرده بود، به رواقی جداگانه تبدیل شد که به دلیل پذیرایی دیرینه از مهمانان حرم در آن مکان، به دارالضیافه نام‌بردار شد. بخش فوقانی آن با آینه‌کاری پوشش یافت و ازاره آن با سنگ برجسته‌کاری شده استحکام یافت. سردر آن اخیراً با کاشی‌های معرق و سنگ‌های مرمرین که در ازاره آن به کار رفته بازسازی شد و در کتیبه‌ها نیز دست‌کاری‌هایی صورت گرفت.

گزارش روکشی گنبد حرم با طلا در کتیبه‌ای مینایی بر گرد گنبد آمده است. این کتیبه بیان می‌دارد هنگامی که شاه عباس در ۱۶۰۱/۱۰۱۰ پیاده از اصفهان به مشهد آمد به تزیین گنبد (به طلاکاری گنبد تصریح شده است) آغاز کرد.



گنبد خاتم

بنای مهم دیگر دوره صفوی، رواق بزرگی است که گنبد خاتم‌خانی نام دارد که از در پایین یا، به بقعه راه دارد. مقبره خاتم‌خان اردوبادی تبریزی اعتمادالدوله (د. ۱۶۰۹/۱۰۱۹)، وزیر شاه عباس، در این مکان است. این شبه گنبد که چند سالی پیش از گنبد الله‌وردی‌خان ساخته شده، سقفی مستطیلی (در معماری سنتی «خوانچه‌ای»، یعنی سینی‌شکل) دارد و مقرنس‌های بسیار زیبای آن با کاشی‌های معرق روکشی شده است و از نظر هنری یکی از جالب‌ترین بناهای مجموعه حرم به شمار می‌رود. موقعیت گنبد خاتم‌خانی به گونه‌ای است که نشان می‌دهد زودتر از گنبد الله‌وردی‌خان تکمیل شده و این نکته با این حقیقت که خاتم‌خانی پس از مرگش در ربیع‌الاول ۱۶۰۹/۱۰۱۹، سه سال پیش از درگذشت الله‌وردی‌خان، در این مکان دفن شده، تأیید می‌شود. اما ورودی آن به بقعه پیش از دوره شاه عباس اول بسته بود. شاه آن را گشود و با دری گوهرنشان تجهیز کرد. در درگیری‌هایی که پس از مرگ نادرشاه در ۱۷۴۷/۱۱۶۰ روی داد جواهرات این در توسط نادر میرزا، نوه نادر، به تاراج رفت. در دوره قاجاریه این در با ورقه‌های حکاکی شده طلائی دوباره زینت یافت. این در پس از به‌سازی‌های اخیر هنگامی که درهای نو نصب شد به موزه منتقل گردید (محمد احتشام کویانیان، شمس‌الشموس، مشهد، ۱۳۵۴ش/۱۹۷۵، ۱۶۹ و ۷۲).

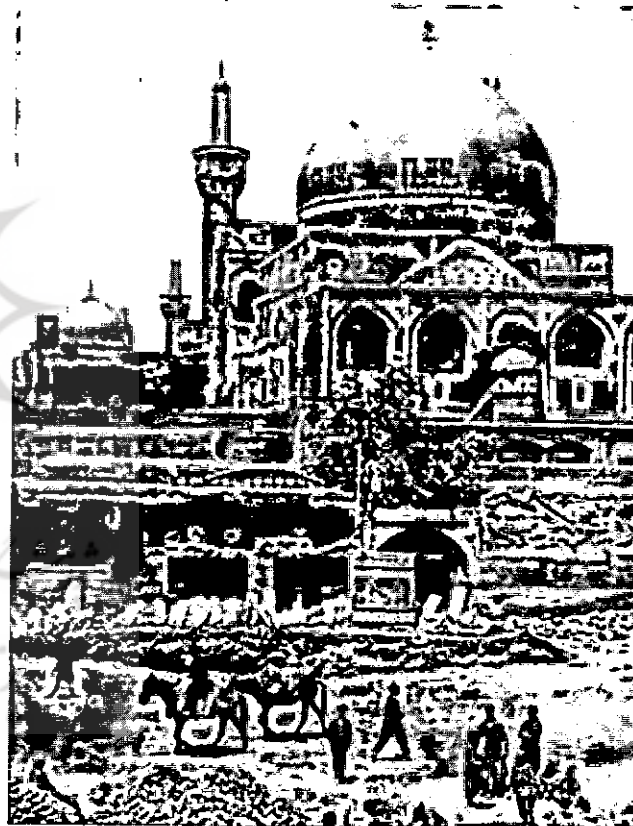
در دوران حکومت شاهان بعدی صفویه کار به تعمیرات محدود شد. کتیبه‌ای در قسمت فوقانی ایوان شمالی صحن کهنه بیان می‌دارد که این ایوان به دستور شاه عباس دوم (حکومت ۱۰۵۲-۱۰۷۷/۱۶۴۲-۱۶۶۶) و در ۱۶۴۹/۱۰۵۹ بازسازی شد. در چهار قاب اسلیمی شکل و میناکاری روی استوانه گنبد طلا کتیبه‌ای است که نشان می‌دهد گنبد که در زلزله مشهد در سال ۱۶۷۳/۱۰۸۴ شکاف برداشته بود به دستور شاه سلیمان (حکومت ۱۰۷۷-۱۱۰۵/۱۶۶۶-۱۶۹۴) تعمیر شد و کتیبه‌نویس آن محمدرضا امامی اصفهانی بوده است.

دوره افشاریه

برافتادن صفویه سرانجام با برآمدن نادر شاه افشار دنبال شد. او در مجموعه حرم اقداماتی انجام داد و به گواهی قصیده‌ی بلندی که بر خشت‌های زرینی که بر دیوار ایوان طلا در ضلع جنوبی صحن کهنه آمده، او این ایوان را در سال‌های ۱۱۴۵-۱۷۳۳/۱۱۴۶-۱۷۳۴ تعمیر و طلاکاری کرده و مناره بالای آن را در سال ۱۷۲۹/۱۱۴۲ دوباره طلا کرده است. او همچنین مناره بالای ایوان ضلع شمالی همین صحن را در ذی‌الحجه ۱۱۴۵ و رمضان ۱۱۴۶ ساخت و زرانداز کرد. نام‌های ناظران این اقدامات امیر سید احمد حسینی سرکشیک و محمدجعفر خادم و خطاط آن بهاء‌الدین خادم نیز ذکر شده است. نادر شاه همچنین نهر آبی را وقف کرد که از میان سنگی که بخشی از سقاخانه اسماعیل طلائی را در وسط صحن کهنه تشکیل می‌داد بیرون می‌آمد.^{۱۰}

دوره قاجار

ساخت و سازها و تزئینات بیشتری در دوره قاجار انجام شد. مهم‌ترین اقدام، ایجاد صحن نو در شرق حرم در سال ۱۸۱۷/۱۲۳۲-۱۸۱۸ و در زمان حکومت فتحعلی‌شاه و از درآمدهای موقوفات حرم بود. این کار تا ۲۳ سال بعد و حکومت محمد شاه (۱۲۵۰-۱۸۳۴/۱۲۶۴-۱۸۴۸) ناتمام ماند. در این زمان به همت (میرزا) موسی‌خان فراهانی، متولی وقت حرم و برادر وزیر بدفرجام میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی، کاشی‌کاری شد. صحن نو چهار ایوان در هر طرف و دو طبقه غرفه (در هر طبقه



۱۰. برای اطلاع بیشتر درباره آوردن آب گلستان به صحن و ساخت سقاخانه اسماعیل طلائی رک: مهدی سیدی، تاریخ شهر مشهد، ۲۳۴ مترجم.



۵۶ غرفه) دارد. ایوان غربی صحن نو که مشهور به ایوان طلاست در سال ۱۲۸۲/۱۸۶۵ به دستور ناصرالدین شاه طلاکاری شد. این کار به سرپرستی متولی حرم میرسید محمد حسین عضدالملک قزوینی انجام گرفت و هزینه آن از درآمد موقوفات پرداخت شد (کاویانیان، همان، ۲۴۷).

صحن نو و دارالسعاده

احداث صحن نو سبب شد فضایی از زمین‌های وقفی شاه عباس بین این صحن و رواق پایین پا (یعنی گنبد حاتم‌خانی) باقی بماند. در ۱۲۵۱/۱۸۳۵-۱۸۳۶ در این فضا رواق جدیدی به نام دارالسعاده احداث شد که بانی آن الهیارخان آصف‌الدوله، دایی محمد شاه، بود که در این هنگام به حکومت خراسان منصوب شده بود. در همین زمان پنجره فولادی مشیکی که در دهانه شرقی رواق حاتم‌خانی قرار داشت از میان برداشته شد و رواق‌هایی پایین پا و دارالسعاده به هم متصل شدند (کاویانیان، همان، ۱۴۶). پس از آن که محمد ابراهیم خان امین‌السلطان در شمال شرقی دارالسعاده به خاک سپرده شد، پسرش علی‌اصغر خان امین‌السلطان، اتابک اعظم این رواق را آینه‌کاری کرد. بزرگی رواق دارالسعاده و کاشی‌های نفیس، و پانل‌های ساخته شده از سنگ‌های نردی شفاف و درخشندگی آینه‌کاری داخلی، این رواق را به یکی از پرشکوه‌ترین بناهای مجموعه حرم تبدیل کرده است.

مدرسه حشمت‌الدوله همچنین یکی از بناهای دیگر دوره قاجار مدرسه علینقی میرزا حشمت‌الدوله، یکی از پسران فتحعلی شاه، بود که در هنگامی که حاکم خراسان بود دستور به ساخت آن در باقی‌مانده زمین وقفی شاه عباس داد. اما پس از برکناری او، کارکنان آستان قدس که بنای مدرسه را در زمین وقف و در داخل مجموعه حرم با فقه اسلامی ناسازگار می‌دیدند، حجره‌های پایینی مدرسه را محل اقامت خدام و حجره‌های بالایی را برای کتابخانه حرم در نظر گرفتند. در دوره پهلوی که چند رواق جدید احداث شد، این بنا نیز شکلی تازه یافت.

نام شاهان قاجاری، محمدشاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه در کتیبه‌هایی بر کاشی‌ها و قاب‌های مرمرین آستانه و درهای ورودی، و ایوان‌های صحن کهنه و نو به چشم می‌خورد. این موارد فقط به تعمیر و بازسازی یا دیگر خدمات آنها در مجموعه حرم اشاره نمی‌کند، بلکه به اقدامات آنان در مشهد نیز اشاره دارد که ذکر آن فرصتی دیگر می‌طلبید.

توسعه فلکه در دوره پهلوی

مجموعه حرم و فضاهای پیرامون آن در عصر رضا شاه پهلوی در معرض دگرگونی‌های بزرگی قرار گرفت. رضاشاه در هنگام سفر به مشهد در سال ۱۳۰۷/۱۹۲۸ دستور داد کمربندی بزرگ پیرامون مجموعه حرم که ضروری می‌نمود احداث کنند. این خیابان تقریباً دایره‌ای شکل که فلکه نامیده شد به عرض ۳۰ متر و به شعاع ۱۸۰ متر از رأس گنبد طلایی حرم ایجاد گردید (آستان قدس دیروز/امروز، ۶۳) ^{۱۱} پیش از احداث فلکه، دو سمت صحن کهنه با بست غربی- شرقی بالا خیابان از یک سو و بست شرقی- غربی پایین خیابان از سوی دیگر احاطه شده بود. انتهای دو بست به قوس‌های شرقی و غربی فلکه می‌رسید (مؤتمن، همان، ۲۱۱ و ۲۱۳). تأسیس موزه پس از تکمیل شدن فلکه گفت و گوی زیادی در ضرورت ایجاد یک موزه مناسب صورت گرفت. طرح اولیه، ساخت سالتی به عنوان موزه بر بالای ساختمان‌ها در شمال بست بالا خیابان بود. اما تصمیم نهایی بر استفاده از زمین و احداث ساختمان‌هایی قرار گرفت که بین صحن نو و قوس جنوبی فلکه واقع شده بودند. بنابراین صحن موزه (که در اواخر دوره پهلوی، صحن پهلوی و پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷/۱۹۷۹ صحن امام خمینی نامیده شد) و یک بنای سه طبقه‌ای در ضلع شمالی بود به عنوان موزه و کتابخانه حرم در زمینی که پیش‌تر مدرسه بزرگ دوره صفوی، مشهور به مدرسه پایین پا، در آن قرار داشت ساخته شد. این مدرسه را میرزا سعدالدین وزیر خراسان دز عهد شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۸۷/۱۶۷۶

مدرسه حشمت‌الدوله
همچنین یکی از
بناهای دیگر دوره
قاجار مدرسه علینقی
میرزا حشمت‌الدوله،
یکی از پسران
فتحعلی شاه، بود که
در هنگامی که حاکم
خراسان بود دستور
به ساخت آن در
باقی‌مانده زمین وقفی
شاه عباس داد.

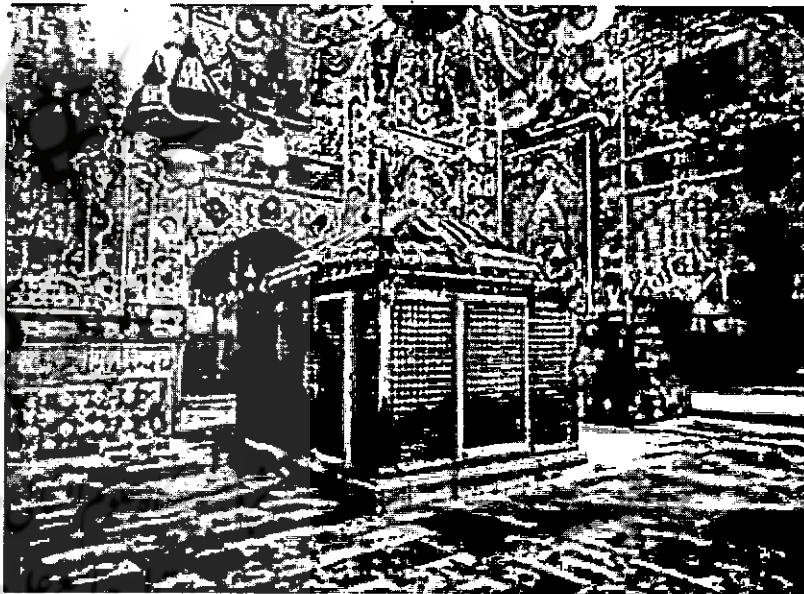
۱۱. نویسندگان محترم به اشتباه به صفحه ۱۵۴ که به احداث فلکه در دوره ولیان اشاره دارد ارجاع داده بودند. رک: آستان قدس دیروز/امروز، ۶۳ مترجم.

ساخته و وقف کرده بود. این مدرسه که مورد استفاده طلاب علوم دینی بود به همراه چند تیمچه (بناهای کوچک تجاری مرکب از مغازه‌ها و انبارها)، بازار آصف‌الدوله و چندین بنای دیگری وابسته به حرم یا مالکین خصوصی همگی از میان رفتند.

مقبره بهاء‌الدین عاملی معروف به شیخ بهایی (۱۶۲۱/۱۰۳۰) متکلم و دانشمند برجسته عصر شاه عباس اول در این ناحیه قرار دارد. در نقشه‌ای که توسط آندره گدار مشاور وقت اداره باستان‌شناسی برای موزه آماده شد، رواقی وسیع در شمال غربی بخش همکف برای آرامگاه شیخ بهایی در نظر گرفته شد. طبقه بالایی این رواق برای مجموعه قرآن‌های حرم و باقی‌مانده ساختمان: زیرزمین برای مخزن کتاب‌ها و فرش‌ها و طبقه همکف و طبقات بالایی برای سالن‌های موزه و سالن‌های مطالعه کتابخانه مورد استفاده قرار گرفت. کار ساخت در سال ۱۳۱۶/۱۹۳۷ شروع شد اما به دلیل اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین در شهریور ۱۳۲۰/سپتامبر ۱۹۴۱، موزه و کتابخانه تا آذر ۱۳۲۴/دسامبر ۱۹۴۵ افتتاح نشد. پیش از اتمام موزه و کتابخانه سالی بزرگ برای کارهای اداری به نام تالار تشریفات، در طبقه دوم منتهی‌الیه غربی جانب شمالی صحن موزه احداث شد. پس از این که ساختمان جدید تالار تشریفات ساخته شد، بنای پیشین برای کارهای دیگر مورد استفاده قرار گرفت. زیربنای همه این مجموعه‌ها و زمین آن ۹۳۹۵ متر مربع بود.

در زمان محمدرضا شاه پهلوی (حکومت ۱۳۲۰-۱۳۵۷/ش ۱۹۴۱-۱۹۷۹) دگرگونی‌های بیش‌تری روی داد. فضای درونی بقعه و رواق‌های موجود گنجایش زائران را که همواره رو به افزایش بود نداشت و ازدحام مردم و غیربهداشتی بودن مهمان‌سرا و مکان‌هایی که از سوی صاحب‌منصبان آستان قدس در نظر گرفته شده بود در شأن مکان مقدسی با چنین اهمیت مذهبی و ملی نبود. سال‌ها در مورد چگونگی حل این مسائل رایزنی شد.

در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ و در زمان تولیت سپهد عزیز برای توسعه فضای بین ضریح و آسایش و دیوار سمت غربی بقعه اجازه ساخت دو ستون مخروطی‌شکل و پلی سراسری در زیر گنبد داده شد و دیوار غربی را برچیدند.^{۱۲} این پل با تاق قوس



آجری روکار شد، با کاشی‌های معرق و حلقه‌های طلایی محکم‌کاری شد. پس از بهبود شرایط داخل بناها، رواق‌های کوچک و دیوارهای ضخیم آجری که در برخی از جوانب حرم واقع شده بود و یا به رواق‌های اصلی نزدیک بود تخریب شد و فضای به دست آمده از این رهگذر در اختیار رواق‌های جدیدتر و بزرگ‌تر قرار گرفت. احداث فلکه جدید به شعاع ۳۲۰ متر از گنبد (مؤتمن، ۴-۲۳) و تخریب همه ساختمان‌های دیگر که از مجموعه حرم و تعدادی دیگر از بناهای مجاور که صبغه تاریخی داشتند و تبدیل آنها به زمینی برای فضای سبز پارک، تدبیری بود که برای سامان دادن به محیط نابسامان اطراف حرم اندیشیده شد. در پیگیری برای اصلاح‌بخشی اساسی همه ساختمان‌هایی که خارج از رده به شمار آمدند، ارزش تاریخی و معماری بافت قدیمی را در نظر نگرفتند و به تأثیر آن بر سلیقه‌های گوناگون توجهی نشد و این بافت‌ها به کلی از میان برداشته شدند.

پس از انقلاب (اسلامی) و در سال ۱۳۵۸/۸۰-۱۹۷۹ خشت‌های طلایی رنگ و رو رفته سطح گنبد و مناره برچیده شد و با خشت‌های جدید که چهار بار بیشتر از پیش و با استفاده از تکنیک طلاکاری الکترولیت پوشش داده شده بود در ۷۰۰ متر مربع برای گنبد و ۱۴۵ متر مربع مناره روکاری شد.

۱۲. در منابع اصلی تاریخ شروع اجرای این کار ۱۳۴۰ ش آمده است. شهرستانی، محمدعلی، «توسعه حرم مطهر»، نامه آستان قدس، شماره بیستم، نوروز، ۱۳۴۴، ۱۱۵-۱۲۰.



توصیف رواق‌ها

نام بیشتر رواق‌ها در بالا آورده و توصیف شده‌اند. گزارش فشرده درباره رواق‌ها تصویر روشن‌تری به دست خواهد داد. در آنچه در پی می‌آید وضعیت کنونی و گذشته تاریخی تک‌تک رواق‌ها جمع‌بندی شده است. بحث با رواق مهم دارالحفاظ در جنوب بقعه آغاز می‌شود و در جهت حرکت عقربه ساعت ادامه می‌یابد.

۱. **دارالحفاظ:** مهم‌ترین رواقی است که همه زایران بقعه از آن می‌گذرند. این رواق متصل به دیواره جنوبی بقعه است. این رواق در زمان ساخت مسجد گوهرشاد در بخشی از زمین مسجد گوهرشاد ساخته شد و به شکل پیشین حفظ شده است.^{۱۳}

۲. **دارالسیاده:** بزرگ‌ترین رواق است و همه ضلع غربی رواق دارالحفاظ و مسجد بالاسر را در بر می‌گیرد. این بنا نیز در زمان ساخت مسجد گوهرشاد و در محور شمالی (بقعه) ساخته شده و دگرگونی نیافته است.

۳. **مسجد بالاسر:** قدیمی‌ترین رواق، در همان زمین بقعه و متصل به ضلع غربی آن ساخته شده و یکی از یادگارهای عصر غزنوی است.

۴. **دارالخلاص:** بین دارالسیاده و ایوان طلایی صحن کهنه و به جای دو بنای قدیمی ساخته شده است. این دو بنای قدیمی یکی راهرو معروف به راهرو سقاخانه بود که از طریق ایوان طلا به زاویه جنوب غربی صحن کهنه راه داشت و دیگر مقبره ابوالقاسم بابرین بایسنگر که به محل رئیس فراشان آستان قدس تبدیل شده بود. قسمت بالایی آن آئینه‌کاری و ازاره آن با سنگ مرمر تزیین شده است. بنای فعلی ۱۲۸ متر مربع و تاریخ ساخت آن ۱۳۴۲-۱۳۴۴/۹۶۵-۱۹۶۳ است (مؤتمن، همان، ۷۰-۱۶۹).

۵. **دارالشکر:** این رواق در شمال غربی بقعه بین مسجد بالاسر ایوان طلایی صحن کهنه و در فضایی ساخته شد که پیش‌تر در آن قران‌خانه و بخش شمال غربی راهرو پس‌پشت و برخی بناهای قدیمی از میان رفته قرار داشتند که شاید پیشینه آنها به دوره غزنوی می‌رسیده است. این رواق همزمان با دارالخلاص ساخته شد (مؤتمن، همان جا) و به همان شیوه تزیین شد.

۶. **توحیدخانه:** این بنا ظاهراً در دوره شاه عباس اول ساخته شده است و در شمال بقعه و در همان راستا و بین رواق‌های دارالشکر و دارالفیض که در جنوب آن است و صحن کهنه که در شمال آن قرار دارد، واقع شده است.

۷. **دارالفیض:** (که به دلیل مجاورت با مقبره ملامحسن فیض کاشانی بنابه نقل لغت‌نامه دهخدا ذیل ترجمه فیض در کاشان است به این نام خوانده شده) رواقی باشکوه و مجلل است که در ناحیه شمال شرقی بقعه و بین آن و توحیدخانه و به جای بخش شرقی راهرو پس‌پشت، مسجد رضا یا مسجد زنانه (که شاید پیشینه آن به عصر غزنوی می‌رسید) ساخته شده است و در کنار گنبد الله‌وردی‌خان قرار دارد. دیوارها و اساس آن همان دو بنای راهرو پس‌پشت و مسجد زنانه است. این رواق در ۱۳۴۷/۱۹۶۸ ساخته شد (مؤتمن، همان، ۴۵۱).

۸. **گنبد الله‌وردی‌خان:** در جانب شمال شرقی بقعه قرار دارد و تاریخ آن به دوره شاه عباس اول بر می‌گردد. (بنگرید به مطالب بالا).

۹. **گنبد حاتم‌خانی:** این بنا نیز از عصر شاه عباس اول ساخته شده و در زاویه پایین پا واقع شده است (بنگرید به بالا).

۱۰. **دارالضیافه:** در شرق گنبد الله‌وردی‌خان است (بنگرید به بالا).

۱۱. **دارالسعاده:** شرق گنبد حاتم‌خانی، مشرف بر ایوان طلایی صحن نو (بنگرید به بالا).

۱۲. **دارالسرور:** رواق باریک و باشکوه (۱۱۹ متر مربع) در جهت شرقی-غربی و در جنوب دارالسعاده قرار دارد و آئینه‌کاری شده است این بنا به جای حجره‌های شمالی مدرسه علی‌نقی میرزا (رواق دارالذکر کنونی) و بین سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۸/۱۹۵۵-۱۹۵۹ ساخته شد و به پیروی از نام

۱۳. بنا به گزارش میرخواند این بنا را امیر علیشیر نوایی در دوره حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱) ساخته است. بنابراین ساخت آن در حدود ۵۰ سال پس از مسجد گوهرشاد بوده است. رک: خواندمیر، غیبات‌الدین بن همادالدین، مکارم‌الاخلاق، تصحیح محمد اکبر، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸، ۹۲. مترجم.

متولی وقت، فخرالدین شادمان، به این نام خوانده شد (سرور در زبان عربی به معنی شادی است و نام خانوادگی شادمان در زبان فارسی به معنی شادی است).

۱۳. **دارالذکر:** رواقی نسبتاً بزرگ (۱۹۲ متر مربع) در جنوب دارالسعاده، در ۱۳۳۲-۱۳۳۴/۱۹۵۳-۱۹۵۵ به جای بخشی از صحن پیشین مدرسه علی نقی میرزا ساخته شد. سقف آن مقرنس کاری است و سراسر چهار دیوار جلویی آن با کاشی‌های معرق و کف آن با سنگ مرمر پوشش یافته است.

۱۴. **دارالزهد:** جدیدترین رواق و نسبتاً وسیع است. تنها راه دسترسی به این رواق (به استثنای رواق دارالعباده که در شمال شرقی آرامگاه شیخ بهایی قرار دارد و مستقیماً به حرم متصل نیست از صحن نو می‌باشد) و دور افتاده‌ترین رواق از بقعه است. پس از احداث ساختمان جدید برای موزه و کتابخانه در گوشه شرقی صحن موزه بخشی از بنای پیشین موزه و کتابخانه که در ضلع شمالی صحنی که به موازات ضلع جنوبی آرامگاه شیخ بهایی قرار داشت از میان برداشته شد. بیشتر فضا برای توسعه صحن به کار رفت. در باقی‌مانده آن که یک فرورفتگی را در غرب آرامگاه شیخ بهایی تشکیل می‌داد، ساختمانی دو طبقه در سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۳/۱۹۶۹-۱۹۷۴ ساخته شد و طبقه اول ساختمان پیشین تالار تشریفات در آن ادغام شد (آستان قدس دیروز امروز، ۱۰۹). طبقه همکف بنای جدید به رواقی نسبتاً بزرگ تبدیل شد که به افتخار نام متولی وقت حسن زاهدی دارالزهد نامیده شد.

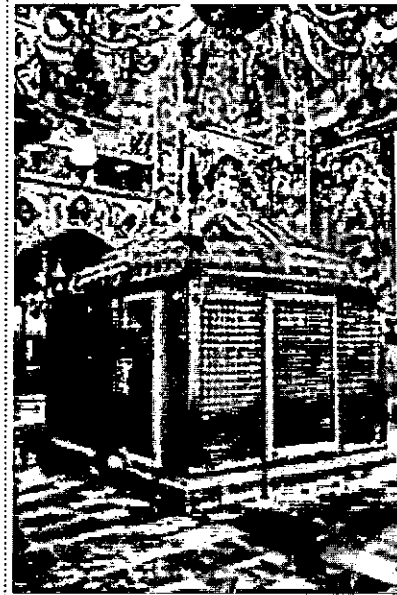
۱۵. **دارالعزه:** رواقی نسبتاً کوچک (۳۶ متر مربع) در شرق دارالسلام، در ۱۳۴۲-۱۳۴۴/۱۹۶۳-۱۹۶۵ به جای حجره‌های غربی مدرسه علی نقی میرزا ساخته شده قسمت بالایی این بنا نیز با آینه کاری و ازاره آن با سنگ مرمر روکاری شده است. این رواق به پیروی از نام سپهبد محمد صادق امیر عزیزی^{۱۵} متولی وقت حرم به این نام خوانده شد.

۱۶. **دارالسلام:** رواقی نو و بزرگ (۱۲۲ متر مربع). در جهت غربی و در امتداد دارالحفاظ که در سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۳۸/۱۹۵۵-۱۹۵۹) و به جای دو بنای عهد تیموری، گنبد ایک میرزا و تحویل‌خانه که این دومی از ساخته‌های گوهرشاد بود، احداث و تزئین شد.

در ورودی‌های جنوبی و شرقی بقعه و بسیاری دیگر از ورودی‌هایی که رواق‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند در حدود بیست در طلاکاری شده در زمان حکومت محمدرضا شاه پهلوی نصب شد (کاواییان، همان، ۷۲-۱۶۹)^{۱۶}. نفیس‌ترین آنها در ورودی جنوب شرقی حرم قرار دارد که فرح ملکه پیشین آن را اهدا کرده است. دو در طلای مرصع جواهرنشان تقدیمی فتحعلی شاه^{۱۷} زمانی در داخل طارمی پایین پای مقبره امام چسبیده نصب بودند اما اکنون (برای مشاهده زوار) بر روی دیوار بقعه نصب شده‌اند. درهای دیگری ساخت دوره قاجار برخی با طلا و بیشتر آنها نقره‌زRANDOD شده بودند. این درها که توسط اشخاص برجسته آن عصر اهدا شده‌اند، در هنگامی که درهای جدید نصب شدند از جا برداشته شدند و به موزه حرم منتقل شدند.

صندوق ضریح (ضریحی که روی مقبره واقع شده): نویسندگان پیشین و مورخان امروزی (همان‌گونه که ابن بطوطه در نیمه نخست سده هشتم/چهاردهم گزارش کرده است)، همگی بر این باورند که نخستین صندوق روی مقبره از چوب و با ورقه‌های نقره روکش کاری شده بود. همان‌گونه که گفته شد، شاه عباس اول صندوقی روکشی شده با ورقه‌های طلا اهدا کرد. پیش از آن در زمان طهماسب اول صندوق چوبی مقبره دارای مشبک‌های آهنی بود که قسمتی از آنها با نقره پوشیده شده بود (مؤتمن، همان، ۸۸-۸۵). امروزه (سنگ) مقبره از مرمر شاندیز است. این سنگ در زمان حکومت رضا شاه پهلوی به وسیله حسین حجارباشی زنجانی و به هزینه شخصی او تهیه شده است. مضجع امام دارای سه ضریح به این شرح بوده است:

۱. ضریح کنونی که به فرمان محمدرضا شاه پهلوی (سابق) توسط استاد و هنرمند حسین پرورش اصفهانی از فولاد روکشی یافته با ورقه‌ها و لعاب نقره و طلا (در حدود ۷۳۹۹ گرم طلا و ۳۲۷۶۹۱ گرم نقره) طراحی و ساخته شده است.^{۱۸} ابعاد ضریح جدید ۴۰۵ در ۳۰۶ در ۳۹۰ سانتیمتر می‌باشد. کنگره‌های لبه‌بالای ضریح مزین به اسماء خداوند است که بر روی ورقه‌های ضخیم روکش



۱۴. تاریخ ساخت این بنا در متن انگلیسی مقاله به اشتباه ۱۳۳۴-۱۳۳۴ آمده است. رک. مؤتمن، تاریخ آستان قدس، ۱۶۱، مترجم.

۱۵. نام او در متن انگلیسی به اشتباه امیر عباس عزیزی درج شده است. مترجم.

۱۶. از این منبع چنین چیزی بر نمی‌آید، برای این مطلب بهتر بود به صفحات ۳۱-۱۲۱/آستان قدس دیروز امروز ارجاع داده می‌شد. مترجم.

۱۷. ظاهراً فتحعلی شاه در اهدا کرده و در طلای دیگر از آن عبدالملک قزوینی است. رک. آستان قدس دیروز امروز، ۱۲۱، مترجم.

۱۸. لازم به ذکر است که ضریح جدید توسط محمدتقی ذوفن اصفهانی و در سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۸۸ طراحی و ساخته شده است. رک. نامه آستان قدس ۱۹۷۱-۳. به نظر می‌رسد منظور نویسندگان در اینجا بازسازی و نوسازی آن در سال ۱۳۵۵ شمسی است که توسط پرورش اصفهانی صورت گرفته است. رک. آستان قدس دیروز امروز، ۲۰-۱۱۹، مترجم.

شده با طلا و نقره کنده کاری شده است. این ضریح جایگزین ضریحی شد که شش سال پیش ساخته شد^{۱۹} و در اثر فشار ازدحام زائران فرسوده گشته و پاره‌ای از قطعه‌های آن شل و یا از جا کنده شده بود. قطعه‌های قابل استفاده دوباره در ضریح جدید به کار گرفته شدند.

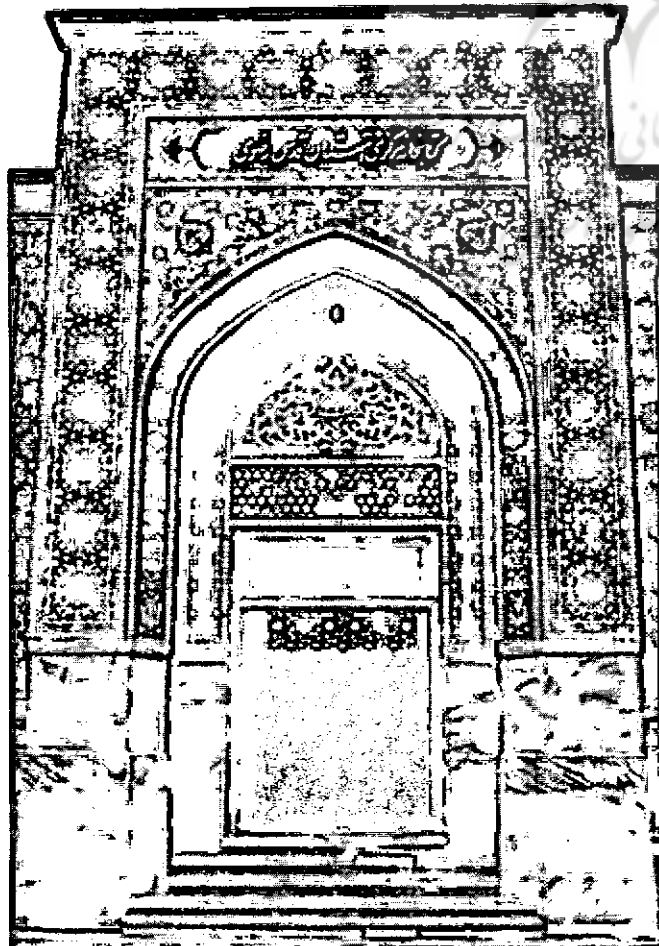
۲. ضریح مرصع (فولادی) که جواهرات آن خیلی گران قیمت هم نبود. کتیبه‌ی بالای در آن نشان می‌دهد که نواده نادرشاه، شاهرخ شاه حسینی موسوی صفوی آن را در ۱۷۴۷/۱۱۶۰ وقف کرده است.^{۲۰} پس از مرگ نادرشاه که اندکی پیش از آن و در همین سال رخ داد، این ضریح را که وی برای مقبره خود ساخته بود به دستور شاهرخ نواده او به حرم امام منتقل کردند (مؤتمن، همان، ۸۸۰ (پاورقی)؛ آستان قدس دیروز امروز، ۱۱۹). شاهرخ فرزند یکی از شاهزاده خانم‌های صفوی بود و ذکر نسب مادری (بر روی ضریح) شاهدهی بر آگاهی او از احساسات مردم در طرفداری از صفویه می‌باشد.

۳. ضریح فولادی ساده دوران فتحعلی‌شاه.

کتابخانه

یکی از مهمترین یادگاری‌هایی که حرم به میراث برده، کتابخانه آن است که هنوز قدیمی‌ترین کتابخانه ایران به شمار می‌رود. بر اساس نسخه‌های خطی موجود در آن احتمالاً کتابخانه در قرن سوم/نهم یعنی قبل از بازسازی آن در دوران غزنوی آغاز به شکل‌گیری کرده است. قدیمی‌ترین تاریخ مکتوب ۱۰۳۰/۴۲۱ بر سندی وقفی است که در جزوات قرآن وجود دارد (کاوایان، همان، ۲۹۵). با این همه شاید پس از ۱۴۵۷/۸۶۱ به طور عملی به صورت کتابخانه درآمده باشد (کاوایان، همان‌جا؛ غلامرضا ریاضی، انصاری مشهد، مشهد ۱۳۳۴، ۱۱۴/۱۹۵۵؛ انتشارات آستان قدس، سیمای انقلاب در آستان قدس، مشهد، ۱۳۶۲/۱۹۸۳، ۱۰۵). در طی دوازده سده تاریخ حرم مجموعه‌ای ناهمگون از قرآن‌ها و سایر نسخ خطی، قطعه‌هایی از خطاطی خوشنویسان، اسناد بسیار بی‌نظیر و مجموعه بزرگی از کتاب‌های چاپی گرد آمده است. برخی از قرآن‌ها تماماً با طلا نگاشته شده‌اند و برخی امضای خوشنویس‌هایی را دارند که اگر این آثار آنها باقی نمی‌ماند ناشناخته می‌ماندند. بر اساس شمارشی که در بهمن ۱۳۵۶/فوریه ۱۹۷۷ انجام گرفت مشخص شد که کتابخانه دارای ۶۴۳۳ نسخه خطی (کامل یا ناقص) قرآن و ۱۱۷۳۳ نسخه خطی دیگر از سده پنجم به این سواست که با ۳۱۰۰ نسخه قرآن چاپی و ۵۹۷۴۲ کتاب چاپی دیگر به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، روسی و آلمانی بالغ بر ۸۱۰۰۸ نسخه می‌شود. بر اساس شمارش تازه‌تری که در ۱۹۸۵/۱۳۶۴ صورت گرفت کتابخانه (به استثنای قرآن‌ها) دارای ۱۲۵۵۰۰ کتاب فارسی و عربی و ۹۸۰۰ کتاب به زبان‌های دیگر است و قرآن‌ها و نسخه‌های خطی دیگر آن نیز ۲۵۱۹۲ عدد است. بر اساس گزارش دیگر (۱۹۸۶/۱۳۶۵) مجموعه کتاب‌های کتابخانه ۱۷۶۲۸۲ نسخه بوده که ۲۶۱۷۵ عدد آن قرآن و دیگر نسخه‌های خطی، ۱۳۸۶۷۱ نسخه کتاب‌های فارسی و عربی، ۱۱۰۳۶ نسخه به زبان‌های دیگر و ۴۰۰ مجله مصور^{۲۱} است. فهرست‌های کتابخانه از ۱۹۲۶/۱۳۰۵ به وسیله عبدالعلی اوکتابی، حاجی عمادالواعظین فهرستی، مهدی ولایی، ابوالقاسم کتابداری و احمد گلچین معانی گردآوری و منتشر شده است (ارقام و اطلاعات به دست آمده در مشهد توسط محمدطاهر بهادری و ابراهیم شکورزاده). تاکنون از این فهرست هشت جلد منتشر شده است.

۱۹. مسلم است که شش سال پیش درست نیست. (مترجم). در مورد ضریح‌های آستان قدس رضوی می‌توان به مقاله آقای قصابیان مراجعه کرد.
۲۰. در متن مقاله واژه «نواده» نادر از قلم افتاده است. همچنین لازم به ذکر است که شاهرخ در سال ۱۱۶۱ به حکومت رسیده و ممکن است هنگامی که کتیبه‌ی روی این ضریح را نوشته‌اند تاریخ قبل را زده‌اند یا تاریخ ۱۱۶۰ قبلاً حک شده و آن را تغییر نداده‌اند. (مترجم) ممکن است پیش از سلطه و به تخت نشستن آن را وقف کرده باشد.
۲۱. منظور کلیه مجله‌های ادواری می‌باشد. مترجم.



توسعه کتابخانه در دروه انقلاب اسلامی

در گذشته کتاب‌ها در چندین اتاق از ساختمان‌های مجموعه حرم به ویژه در اتاق‌های طبقه دوم ضلع غربی صحن نو نگهداری می‌شدند. تلاش برای ساخت بنایی مستقل برای موزه و کتابخانه از دوره رضاشاه شروع شد، اما کار آن تا آذر ۱۳۲۴/دسامبر ۱۹۴۵ به اتمام نرسید. پس از آغاز طرح توسعه صحن موزه، بناهای متعدد ضلع شرقی آن به سوی ابتدای فلکه قدیم از میان برداشته شد و به جای آن در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ مجموعه‌ای در پنج طبقه (دو طبقه آن زیرزمین) در زیربنایی به مساحت ده هزار متر مربع (هر طبقه ۲ هزار متر مربع) ساخته شد. دو طبقه زیرزمین به عنوان خزانه اشیاء و کتاب‌ها و بخشی برای اتاق‌های موزه مورد استفاده قرار گرفت. سالن اصلی موزه در طبقه همکف و اتاق مطالعه کتابخانه در طبقه اول (یا طبقه چهارم با احتساب زیرزمین) قرار دارد. بالاترین طبقه نیز برای نگهداری کتاب و خدمات اداری و فنی، عکس‌برداری و میکروفیلم و تلویزیون مداربسته اختصاص یافت (آستان قدس رضوی دیروز و امروز، ۱۶۷). موجودی کتابخانه در سال‌های اخیر با وقف سه کتابخانه مهم خصوصی، حاج حسین آقا ملک تهرانی، حاج سید علی محمد وزیری یزدی و حاج شیخ ابوالقاسم هرندی کرمانی افزایش یافت. با اینکه این سه کتابخانه به نام بنیانگذاران آنها نامگذاری شده است اما اکنون شعبه‌های کتابخانه حرم در تهران، یزد و کرمان به شمار می‌روند. در حال حاضر (۱۳۶۵/۱۹۸۶) هر ساله حدود دو میلیون تومان از درآمد آستان قدس برای خرید کتاب‌های جدید اختصاص می‌یابد.

تأسیس دانشگاه

به منظور بالابردن سطح مطالعات اسلامی، (اساس) دانشگاه (علوم) اسلامی (رضوی) در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ توسط آستان قدس بنیان نهاده شد. ساخت بنای دانشگاه در زمینی بین دو مدرسه قدیمی میرزا جعفر و خیرات‌خان به مساحت ۸۹۱۰۰ متر آغاز و در ۱۳۶۳/۶- ۱۹۸۵ تکمیل شد. فضای دانشگاه شامل یک مسجد، ۲۲ کلاس درس و ۲۵۰ حجم و سلف سرویس است. دانشگاه توسط هیأت امنای مرکب از متولی آستان قدس، امام جمعه مشهد و هشت استاد حوزه و دانشگاه قم و مشهد اداره می‌شود. اهداف دانشگاه [علوم] اسلامی [رضوی]

تربیت مدرس علوم اسلامی، روحانی، فقیه و مجتهد است. در سال ۱۳۶۲/۱۹۸۳ با پشتیبانی آستان قدس بنیاد پژوهشی دیگری به نام بنیاد پژوهش‌های اسلامی تأسیس شد^{۲۲} که یکصد دانشمند، عالم، پژوهشگر و مترجم در آن مشغول به مطالعه تاریخ اسلام، هنرهای اسلامی، فلسفه، عرفان و علوم قرآنی هستند.

اوقاف آستان قدس: در قرون گذشته املاک زیادی به آستان قدس اهدا شده است تا درآمد حاصله برای کمک به زوار یا مستمندان مشهد هزینه شود. با این همه به سبب آن که حرم در حوادث مکرری مثل حمله غزها، مغول‌ها و ازبک‌ها مورد غارت قرار گرفته، بسیاری از موقوفات منقول از دست رفته است و نام واقف و متولی و موارد مصرف نیمی از موقوفه‌های غیرمنقول نیز مشخص نیست. اما از دوره صفویه به بعد وضع در مورد املاک غیرمنقول وقفی حرم متفاوت می‌باشد. زیرا اسناد مالکیت موجود است و در صندوق‌های نسوز نگهداری می‌شود. حتی در مورد املاکی که سند مالکیت آنها خیلی موثق نبوده نیز ثبت مالکیت حقوقی انجام شده و برای بیشتر آنها سند وقف صادر



به منظور بالابردن سطح مطالعات اسلامی، (اساس) دانشگاه (علوم) اسلامی (رضوی) در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ توسط آستان قدس بنیان نهاده شد. ساخت بنای دانشگاه در زمینی بین دو مدرسه قدیمی میرزا جعفر و خیرات‌خان به مساحت ۸۹۱۰۰ متر آغاز و در ۱۳۶۳/۶- ۱۹۸۵ تکمیل شد.

۲۲. سال تأسیس بنیاد ۱۳۶۳ بوده

شده است.

اوقاف حرم زمین‌های زراعی دایر و بایر را در بر می‌گیرد. رقابت مزروعی حدود ۵۰۰ قصبه و قریه و مزرعه را شامل می‌شود و علاوه بر آن مستغلات بسیاری از حمام و کاروان‌سرا و تیمچه و بازار و مغازه در مشهد، رشت، تبریز و تا حدی کمتری در کرمان و تهران وقف آستان مقدس است که درآمد معتناهایی از آن‌ها به دست می‌آید.

به طور خلاصه اوقاف مزروعی آستان قدس در اطراف مشهد، قوچان، درگز، شیروان، بجنورد، اسفراین، جوین، سبزوار، نیشابور، تربت حیدریه، کاشمر، گناباد، تربت جام، فریمان، سرخس، بجستان، تهران، قزوین، تبریز، اصفهان، کرمان، شیراز، رشت قرار دارد. افزون بر آن، نزدیک به چهارصد رقبه وقفی آستان قدس در مازندران، سمنان، دامغان، تهران، اصفهان، شیراز، کرمان، حومه مشهد، هرات و شهر قبه قفقاز وجود داشته که از بین رفته، اما اسامی آنها در دست است. برخی از اوقاف کنونی آستان قدس خریداری و وقف شده است. از جمله اوقاف درگز با پولی که از فروش طلاهای آستان قدس به بانک ملی ایران در ۱۳۱۸/۱۳۳۹ به دست آمد خریداری شد و بیشتر اوقاف سرخس که

پیش‌تر خالصه دولتی بودند با سایر اوقاف آستان قدس مبادله شده است. نذورات و هدایایی که مردم همواره تقدیم می‌دارند یا در ضریح می‌ریزند و حق‌الدفن اموالی که در رواق‌ها و صحن‌ها به خاک سپرده می‌شوند و درآمد سهام کارخانه نخریسی مشهد و دو کارخانه قند آبکوه و چناران و همچنین کارخانه نان رضوی، سردخانه رضوی و کنسرو رضوی که اخیراً برای آستان قدس خریداری و راه‌اندازی شده‌اند، از جمله موقوفات به شمار می‌روند.

مصارف عمومی درآمدهای آستان قدس بیشتر در این موارد است: شماری از اوقاف وقف روشنایی روضه و ضریح امام رضا و چلچراغ و رواق‌هاست و یا وقف تهیه فرش برای اماکن است. اما در مصارف اوقاف، مرمت بناهای آستان قدس بر هر مصرف دیگری مقدم است. همچنین کمک به زوار مستمند از طریق دادن غذا، لباس، کفش، پوستین و مساعدت‌های نقدی در اوقات مورد تأکید قرار گرفته است. درآمد تعدادی از اوقاف برای غذا و دارو و معالجه غریبان و زائران

هزینه می‌شود. بیمارستان شاه رضا که از ۱۳۱۳/۵-۱۹۳۴ و با هزینه آستان قدس احداث شد، تا ۱۳۵۴/۱۹۷۵ که به دانشگاه فردوسی واگذار شد، از درآمد اوقاف اداره می‌شد. بودجه این بیمارستان در حال حاضر سالانه دویست میلیون تومان است. پس از انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ نام بیمارستان به بیمارستان امام تغییر یافت. یکسری از موقوفات برای مخارج جشن‌ها و اطعام در اعیاد مذهبی و برگزاری مراسم میلاد ائمه اطهار واگذار شده است. برای خدام، فراشان و دربانان و مخارج خوراک و حقوق مؤذنین و کفش‌داران موقوفه‌های چشمگیری وقف شده است. موقوفاتی نیز برای قاریان قرآن کریم در رواق‌های مختلف مشخص شده است. واقفان همچنین از درآمد موقوفات خود هزینه‌های ویژه‌تری را مانند این موارد در نظر گرفته‌اند: مرمت کتاب‌های کتابخانه، تهیه سوخت برای چراغ‌ها و قندیل‌ها، فانوس‌ها و موم برای شمعدان‌ها، خرید جارو برای نظافت عمارات، رد مظالم به فقرا و مستمندان زائر و مجاور، اهدای لباس به زوار و طلاب علوم دینی و افطار در ماه رمضان، سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و پرداخت دستمزد به دایه‌هایی که به آنها



شیر می‌دهند. برای آموزش، لباس و غذای یتیمان سادات و حقوق معلمان آنان نیز از عهد صفویه به بعد اوقافی دیده می‌شود. برای اجرت ساعت ساز در عهد صفوی مزرعه گران‌بهایی واگذار شده است. برای لایروبی نهر خیابان که از داخل شهر مشهد می‌گذرد چند مزرعه مهم در اختیار اوقاف آستانه است. برخی از واقفان اوقافی را برای مصارف مطلقه آستان قدس به اختیار متولی واگذار کرده‌اند. تعداد بسیاری از اوقاف نیز ویژه آرامگاه‌های واقفان است. برای قاریان مقبره شاه طهماست صفوی چهار مزرعه در تصرف است و برخی از واقفین نیز مواجبی برای نایب الزیاره و نایب الخدمه قرار داده‌اند. از انقلاب ۱۳۵۷/۱۹۷۹ بخشی از درآمد موقوفات برای بازسازی مساجد، برگزاری تعزیه و روضه‌خوانی و قرض‌الحسنه بلاعوض به مستضعفین و به ویژه پرداخت مستمیری به آن‌هایی که در جریان انقلاب معلول و مجروح شده‌اند و خانواده شهدای انقلاب و جنگ با عراق هزینه می‌شود.

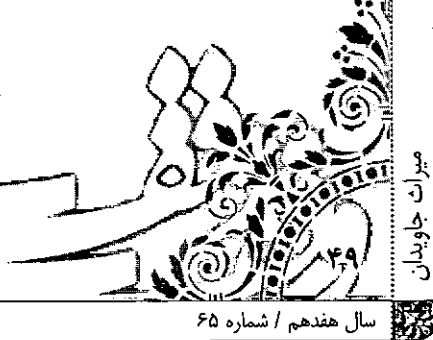
درباره چگونگی اداره امور آستان قدس پیش از دوران صفویه مدرک تاریخی در دست نیست (و گمان می‌رود که مدارک آن‌ها در غارت‌های سده‌های گذشته از بین رفته باشند). اما اسناد دوره‌های صفویه، افشاریه و قاجار و عصر حاضر در بایگانی‌ها آستان قدس موجود است. افرادی که در دوره صفوی به سرپرستی اوقاف آستان قدس گماشته می‌شدند. عنوان تولیت یا متولی داشتند اما با توجه به این که شماری از موقوفه‌های جدیدتر متولی خاصی داشت که به طور مرتب حق التولیه می‌گرفت از عهد قاجار ضرورت یافت تا برای نشان دادن ارشدیت متولی آستان قدس بر دیگر متولیان عنوان دقیق‌تر متولی‌باشی را برگزینند. در حکومت پنجاه و سه ساله پهلوی، شاه متولی اصلی آستان قدس بود و از سوی خود شخصی را با عنوان نایب‌التولیه برای اداره امور آستان قدس بر می‌گزید. پس از انقلاب متولی از سوی رهبر انقلاب و از



میان روحانیون مورد اعتماد مشهد برگزیده شده است.

در دوره‌های صفویه و قاجاریه غالباً متولی از میان نقباء سادات رضوی، یعنی کسانی که از نسل امام رضا بودند، یا از سادات سایر شهرها و از طرف سلطان وقت به این شغل گماشته می‌شدند تا نظر و شروط واقفان و امور روضه را اجرا کنند. گاهی نام متولیان دوره صفوی در تواریخ ذکر شده است ولی ترتیب این نام‌ها درست نیست. اسامی متولی‌باشیان عهد قاجار و نایب‌التولیه‌های دوره پهلوی نیز در دست است. در عهد صفوی گاهی دو نفر را به تولیت آستانه نامزد می‌کرده‌اند تا با هم امور آستان قدس را اداره نمایند. متن زیر از اسکندر بیگ (۱۴۹/۱) نشان از روابطی دارد که در دوره صفویه میان متولی حرم و حاکم وجود داشته است: «میرکمال‌الدین استرآبادی و میرابوالقاسم اصفهانی متولیان سرکار فیض‌آثار رضیه رضویه تا حین حیات شاه جنت‌مکان [شاه طهماست اول] هر دو به امر تولیت واجبی و سنتی آن سرکار فیض‌آثار مشغول بودند. میرکمال‌الدین از سادات عظام استرآباد، و میرابوالقاسم از سادات خلیفه اصفهان بود و به سادات مازندران اشتهار داشت.

در اواخر زمان شاه تهماسب به خدمات سرکار فیض‌آثار منصوب گشته میرکمال‌الدین به تولیت سنتی و میرابوالقاسم به تولیت واجبی اقدام داشتند. غرض از عبارت سنتی آن است که از سیورغالات و آنچه سرکار خاصه شریفه به جهت مصارف آن سرکار از مصالح شیلان و خدام و مدرسان و ارباب وظایف و ادارات سادات و علما و فضلا و ارباب استحقاق داده می‌شد چون اختیار



صرف حضرت خاقان جنت‌آشیان داشتند آن را سنتی می‌نامیدند و حاصل اوقاف و نذورات که مصرف معین دارد و به موجب شروط واقفین عمل باید کرد آن را واجبی می‌شمارند.» همواره حاکم هر عصری بر اداره صحیح امور آستان قدس نظارت داشت و برابر روشن معمول حکم سرپرستی آستان قدس را با هر عنوان که باشد و نیز حکم امام جمعه و شیخ‌الاسلام را صادر می‌کرد. به ویژه در عهد صفوی در انتخاب امام جمعه و شیخ‌الاسلام شهرها که زیر نظر صدرالصدور و صدرالممالک (وزیر اوقاف) کوشش و مراقبت کامل می‌شده است.

منابع

نامه آستان قدس، فصلنامه‌ای که در مشهد منتشر می‌شد و آگاهی‌های ارزشمندی درباره همه مجموعه آستان قدس، توسعه‌های گذشته و فعلی، ساخت و سازها و تعمیرات، کتابخانه، انتشارات و دیگر امور مربوط به آن دارد، به ویژه مقالاتی که عنوان «بنیه آستان قدس رضوی» دارند و نگاشته علی مؤتمن هستند. نامه آستان قدس از سال ۱۳۳۹ و در ۱۷ شماره ادامه یافت؛ سرگرد سر پرسی م. سایکس، یادداشت‌های تاریخی درباره خراسان، JRAS، ۱۹۱۰، ۴۹-۱۱۳۲؛ «پژوهش در هنر ایران، ۱۱۱/۲-۱۲۰۲ و ۲۰۴/۲ (نقشه، با راهنمای بناها). منابع عمده دیگر عبارتند از: دونالدسن، مذهب شیعه، تاریخ اسلام در ایران و عراق، لندن ۱۹۳۳، فصل شانزدهم؛ همو «اهمیت محراب‌ها در حرم مشهد» Art Islamic، ۲۲۱، ۱۱۸-۱۹۳۵، ۲۷؛ سرگرد سرپرسی م. سایکس: شکوه جهان تشیع: داستان یک زیارت، لندن، ۱۹۱۰، پلان بین صفحه‌های ۱۰۰ و ۱۰۱؛ دونالدن ویلبر، معماری ایران اسلامی دوره ایلخانیان، پرینستون، ۱۹۵۵، چاپ مجدد ۱۹۶۹، ۸۱-۱۹۸۰ محمد علوی، تاریخ طوس و مشهدالرضوی، بغداد ۱۳۴۶/۱۹۲۷ سی.ای. بیت، خراسان و سیستان، لندن، ۱۹۹۰ جی.بی فریزر، گزارش سفر به خراسان، لندن، ۱۸۲۵.

E. Combe, J. Sauvaget, and Wiet, *repertoire chronologique depigraphie arabe*. Cairo, ۱۹۳۷, VIII. No ۲۹۷۸.

ن. مشکاتی، فهرست تاریخی اماکن باستانی ایران، تهران، ۱۳۴۹/۱۹۷۰؛ عبدالحمید، مولوی، «مسجد شاه مقبره امیرغیاث الدین ملکشاه»، هنر و مردم، شماره ویژه، ش. ۷۵-۷۴ و ۱۹۶۸ و ۹۲-۷۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

